

چھٹی کتاب

سال پہل دوم

2 1 2



آشا (راستی و راستی جویی)

گزارشے از کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی ۲۰۲۴

بہار ۳۷۶۳ زرتشتی ۱۴۰۴ خورشیدی

نشریہ مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

☆ زمزمه پیماننداری ☆

هرگاه پیمان خواهم بست، و بر آیین راستی باز خواهم گشت
به آنچه که بوده‌ام، به آنچه که باید باشم
به نیکی‌ها، خوبی‌ها، به راستی‌ها، درستی‌ها
به جشن و شادمانی‌ها، به داد و مهربانی‌ها
به آزادی، سرافرازی، گزینش‌های آزادی
همازوری، هم‌آوردی، هم‌اندیشی، به دانایی، خردمندی
به پویایی و آبادی، به دانش، دانش‌اندیشه گستر
آری؛

بر پایه آزادی، خویشتن را خواهم یافت.
بر آنم تا اندیشه‌ام رانیک گردانم.
گفتارم دلنشین و شادی آفرین گردد.
و کردارم سازنده و تازگی بخش باشد.
می‌ستایم منش نیک مزدا داده را،
که سفارش شده اشوزرتشت است.
و استوارم بر این بینش، بر این آرزو
بینش و آرزویی؛

که جنگ افزار از زندگی رخت بر بندد،
جنگ و ستم از روزگار دور شود،
دشمن و دروغ و خشکسالی نماند.
تا زندگی خردمندان بر پایه شادابی، شادمانی و بهروزی برای
همگان پیش آید.

هموندان گرامی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا،

با فرارسیدن بهار و جشن خجسته‌ی نوروز، این آیین کهن نوزایی، شادی و
همبستگی، سال نو را به شما و خانواده‌های ارجمندتان شادباش می‌گوییم.

با سپاس بیکران از کوشش‌ها و از خود گذشتگی گروه زنهارداران دوره‌ی
پیشین، به گروه زنهارداران جدید خوش آمد گفته و برایشان کامیابی و
سربلندی آرزو داریم. امیدواریم که مرکز زرتشتیان کالیفرنیا همواره در مسیر
پیشرفت و شکوفایی گام بردارد و پایگاهی پویا برای پاسداشت فرهنگ و آیین
نیاکاهان باشد.

برای همه‌ی نیک‌اندیشان، خدمت‌گزاران، فارسی‌زبانان، بهدینان و دوست‌داران
اشو زرتشت، تندرستی، شادی و دیرزیوی آرزو داریم.

با بهترین آرزوها،

گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

برگیری از نوشته‌های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد
می‌باشد.

چهره نما، در گزینش و ویرایش نوشته‌های رسیده آزاد است و نوشتارهای
رسیده بازگردانده نمی‌شود.

دیدگاه‌های بازتاب شده در نوشته‌ها همیشه گویای دیدگاه‌های انجمن
دبیران چهره نما نمی‌باشد.

چهره نما مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه‌ای است دینی، اجتماعی، تاریخی،
ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

زیر نگر گروه دبیران

گرافیک، رایانه و صفحه آرا: شاهین خُرسندی

تایپ: پروین رستمیان

اینترنت: رامین شهریاری

با سپاس از هفته نامه امرداد که همواره نوشته‌های خود

را با گشاده رویی در اختیار چهره نما می‌گذارد.

Trust of Morvarid Guiv

c/o Mina Soroosh

PO Box 49404 Los Angeles, CA 90049

سخن تحت

برای پاسداری از ارزش‌های همگانی و گسترش آموزه‌های نیک، به یگانگی و نوآوری نیازمندیم. نوروز فرصتی است تا با دیدگاهی تازه و امیدوی روشن، دست در دست یکدیگر بگذاریم، ناهمسانی‌ها را کنار بیهیم و برای ساختن آینده‌ای پویا و پایدار بکوشیم. همان‌گونه که جوانه‌ها برای بالیدن به روشنی و آب نیاز دارند، ما نیز برای فرهیختگی، به دانش، خرد و همدلی نیازمندیم. بیایید این نوروز را با همیاری و هم‌آزوری، زمینه‌ساز نوآوری و شکوفایی بیشتر در جامعه‌ی خود کنیم. بیایید درخت آگاهی را آبیاری کنیم، دانه‌ی نیکی و دانایی بکاریم و فردایی روشن‌تر برای آیندگان بسازیم.

سبز و مانا باشید
جمشید جمشیدی

بهار که فرا می‌رسد، زمین جامه‌ای نوبر تن می‌کند، درختان جان تازه می‌گیرند و نسیم، بوی تازگی و امید را در هوا می‌پراکند. نوروز و بهار تنها دگرگونی فصل‌ها نیستند، بلکه نمادی از نوسازی، تکاپو و بالندگی همیشگی‌اند. همان‌گونه که گیتی در این روزها جانی دوباره می‌یابد، جامعه نیز باید با اندیشه‌ای نو، همدلی و تلاش همگانی، راهی تازه برای شکوفایی و پیشرفت بگشاید.

چنان‌که بهار بدون باران، خاک، آفتاب و نسیم، زیبایی و شادابی خود را از دست می‌دهد، جامعه نیز بدون همدلی و هم‌آزوری، توان بالندگی نخواهد داشت. نوروز به ما یادآور می‌شود که دگرگونی و پویایی، تنها در سایه‌ی یکپارچگی و همراهی همگان شدنی است.



بهر کوئی ز دردش دردمندیست
بهر سوئی ز داغش داغداری است

نه محرومان کویش را حسابیست
نه مشتاقان رویش را شماری است

رفیق و شغل عشق او که این شغل
خجسته پیشه و فرخنده کاری است

رفیق اصفهانی

نگار من عجب زیبا نگاری است
نگار سرو قد گل‌گذاری است

به شهر آشوب رخ، آشوب شهر است
بشور انگیز قد، شور دیاری است

به قید زلف طرفه صید بند است
بدام خط عجب عاشق شکاری است

گدای اوست هر جا پادشاهی است
غلام اوست هر جا شهریاری است

اشوزرتشت پیامبر ایرانی آموزه‌های زرتشتی

آشا (راستی و راستی جویی)

موبد پدرام سروشپور

بخش چهارم



راه در جهان یک است و آن راه راستی (اشا) است. (یسنا، هات ۷۲)

پروردگارا در پرتو اشا (هنجار هستی) ما را از حکمت و دانش که از بخشایش وهومن است برخوردار ساز تا طی زندگانی دراز از شادی و سرور بهره مند گردیم. (گاتها، هات ۴۳، بند ۲)

اگر چه در جهان مادی همه موجودات تابع بی چون و چرای هنجار هستی هستند ولی در روابط اجتماعی، جایی که انسان به واسطه قدرت اراده اش جانشین خداوند و صاحب اختیار است، می‌تواند برخلاف قوانین معنوی گام بردارد. به این معنی که انسان این توانایی را دارد دروغ بگوید و بدی را در جهان گسترش دهد؛ اگرچه برپایه اشا یا هنجار هستی، باز خورد نیکی‌ها نیکی و باز خورد بدی‌ها بدی، خواهد بود. از طرفی اگر انسان‌ها در راه راستی گام بردارند، آنگاه جامعه به سوی عدل خواهد رفت و نظم و عدل نتیجه راستی جویی یا همان اشا در جهان است.

راستی، بهترین نیکی

راستی بهترین نیکی است، خوشبختی است خوشبختی از آن کسی است که خواهان بهترین آسویی (راستی) باشد (سرود اشموهو، یسنا، هات ۲۷). در آموزه‌های اشوزرتشت، راستی سرچشمه تمامی نیکی‌هاست. بر اساس باور پیامبر تمامی صفات و خوبی‌های بد و اهریمنی به خودی خود پردشدنی هستند، هیچ انسانی خشم و خشونت و ظلم و فریب و آز و طمع و خودستایی و ... را بر نمی‌تابد، اما تنها چیزی که به این بدی‌ها امکان بقا می‌دهد ناراستی است به عبارت دیگر بدی‌ها تنها در زیر سایه ناراستی‌هاست که باقی می‌مانند و با گسترش راستی و برملا شدن بدی‌ها، این صفات اهریمنی باقی نخواهند ماند.

دروغ باید نابود شود دروغ باید کاسته گردد دروغ باید سپری گردد دروغ باید یکسره نابود گردد و مباد که در جهان هستی راستی نابود گردد (اردیبهشت‌یشت، بند ۱۷)

از آنجایی که راستی در آموزه‌های گاهانی در بالاترین جایگاه قرار دارد،

آشا، هنجار هستی

ای اهورامزدا، شخص خردمند و هوشیار و کسی که با منش خویش حقیقت را درک می‌کند از قانون اشا (هنجار هستی) آگاه است و با نیروی معنوی از راستی و پاکی پشتیبانی کرده گفتار و کردار خود را جز به راستی نخواهد آراست (گاتها، هات ۳۱، بند ۲۲).

آشا یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در گات‌ها سرودهای مینوی اشوزرتشت است. آشا به معنی راستی، یک واژه زیربنایی است که گستره معنایی شامل پاکی، قانون، نظم، عدالت، هنجار و هماهنگی را در برمی‌گیرد. برگرفته از این واژه در اوستا «آشه وهیسته» (اردیبهشت)، به معنای بهترین راستی‌هاست. اردیبهشت سومین امشاسپند، نماد آن آتش و جلوه آفرینش هستی است در اردیبهشت‌یشت نیز به عنوان زیباترین امشاسپندان ستوده شده است. برای فر و فروغش اردیبهشت را، زیباترین امشاسپندان را با نماز بلند می‌ستایم با زبان خرد، با اندیشه و گفتار و کردار نیک می‌ستایم (اردیبهشت‌یشت، بند ۱۸).

آشا در گاتها، در معنی عام خود به عنوان هنجار هستی، قانونی که برپایه آن جهان پایدار است به کار رفته و در معنی خاص، راستی است که اساس تمام نیکی‌هاست. اگر چه اشا در معانی مختلف به کار رفته است اما همه این معانی از بن‌مایه فلسفی مشترک گرفته شده‌اند. به طور مثال قانون هر آنچه‌ای است که همواره صادق باشد پس به درستی قانون هم ریشه با واژه راستی است. از طرفی مجموعه قوانین مرتبط هیچگاه نمی‌توانند یکدیگر را نقض کنند چون در آن صورت قانونی که نقض شده، دیگر نمی‌تواند قانون تلقی شود. باور به مجموعه قوانینی، هم‌سو که جهان هستی برپایه آن استوار گشته و پایدار مانده همان باور به آشا به معنی هنجار هستی است، که به زیبایی در گاتها نمود پیدا کرده است و به همین دلیل اردیبهشت زیباترین امشاسپندان است زیرا جلوه آفرینش در جهان مادی است.

برای زیر پا گذاشتن راستی هیچ توجیهی وجود ندارد. البته برای اینکه انسان به جایگاهی برسد که تمام وجودش عینِ راستی شود، باید همزمان دو فروزه دیگر اهورامزدا، بهمن (اندیشه پاک) و شهریور (توانایی آرزو شده) را نیز در درون خود به کمال برساند. این سه فروزه اهورامزدا راستی، نیک اندیشی و توانمندی مکمل یکدیگرند.

تکیه بر دروغ همواره ساده‌ترین راه و البته اشتباه‌ترین راه است. برای اینکه انسان بتواند در مسیر زندگی بر پایه راستی عمل کند، بیش از هر چیز نیازمند خرد و توانمندی اندیشه است. انسانی که راستی را در زندگی اصل قرار می‌دهد، برای انتخاب راه درست زندگی بیش از هر فرد دیگری به اندیشیدن نیاز دارد و تأکید بر راستی نیز خود بزرگترین عامل تکامل اندیشه است.

از طرفی انسان یا به دلیل منافع زودگذر شخصی به دروغ تکیه می‌کند یا در شرایطی قرار می‌گیرد که مجبور به دروغ‌گویی می‌شود در این صورت ضعف یا ناتوانی انسان است که زمینه پناه آوردن فرد به دروغ را فراهم می‌سازد. همانطور که راستی و راستگویی باعث کمال و توانمندی انسان می‌شود، عدم توانمندی زمینه دروغ‌گویی انسان را فراهم می‌سازد.

ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی کژی زاید و کاستی
اشا راهی است که انسان را به سرچشمه آفرینش راهنمایی می‌کند و اندیشه انسان نیروی محرکه‌ای است که به انسان کمک می‌کند تا در این مسیر حرکت کند و خود را به هدف غایی برساند. باید تلاش کنیم تا به کمک اندیشه، اشا یا هنجار هستی را بشناسیم و زندگیمان را در مسیر درست هدایت کنیم.

کسی که در پرتو خرد مقدس به بهترین راه زندگی کند و گفتارش مهرآمیز و از روی خرد باشد، با دو دستش کارهای نیک را از روی ایمان انجام دهد، اندیشه‌اش تنها متوجه یکتا پروردگار خواهد بود و او را سرچشمه راستی خواهد شناخت (گاتها، هات ۳۳ بند ۹).

اما آنچه که به انسان کمک می‌کند تا راه درست را پیدا و در مسیر درست حرکت کند دین یا وجدان است.

در یکی از متون پهلوی، وجود انسان به کالسه‌ای تشبیه شده است؛ جسم آدمی خود کالسه‌ای است و اسب‌هایی که آن را به جلو می‌رانند جان و نیروی زندگی انسان‌اند که در پایان زندگی به جهان گیتی می‌پیوندند. در این مثال روان آدمی راننده کالسه است که وظیفه دارد مسافرش را که فروهر و ذره‌ای از ذات الهی است به اصل خودش بازگرداند، و راهی که این انسان باید کالسه را در آن هدایت کند، همان اشا یا راه راستی است. این تمثیل به زیبایی چگونگی کمال روان انسان تا رسیدن به هدف غایی و یکی شدن با مزدا را نشان می‌دهد. شاید بتوان چشمان آگاهی هم که به انسان کمک می‌کنند تا راه را ببیند، همان دین یا وجدان شناخت که اگر بیدار نباشد انسان به بیراهه می‌رود.

راستی جوئی

آن‌گاه چنین پاسخ دادم: من زرتشت دشمن سرسخت دروغ و دروغ‌گویان هستم و تا آنجا که مرا نیرو و توان است با آنها پیکار خواهم کرد ولی با تمام قدرت یاور و پشتیبان نیکان و درست‌کرداران خواهم بود، پروردگارا بشود که از نیرو معنوی و بیکرانت برخوردار گردم و ستایش‌گر تو باشم ای مزدا (گاتها، هات ۴۳ بند ۸).

جهت نهادینه شدن راستی در جهان، باید راستی‌جو باشیم این یعنی سوشیانس‌شدن که در اوستا «استوت ارته» به معنی تجسم راستی نامیده می‌شود. سوشیانس کسی است که تمام وجودش راستی است و راستی را در جهان گسترش می‌دهد و لازمه گسترش راستی، مبارزه با دروغ و برملا کردن دروغ و دروغ‌گویان است. به همین دلیل اشوزرتشت خود را بزرگترین

دشمن دروغ و دروغ‌گویان معرفی می‌کند.

برپایه جهان‌بینی اشوزرتشت، برای برقراری عدالت و گسترش خردورزی و دستیابی به آرامش، راستی‌جویی یک اصل است که در زندگی پیامبر نیز به روشنی نمایان است. پیامبر سالها اندیشید اما آنچه او را به درک ناراستی‌های زمانه راهنمایی کرد آزاداندیشی بود، آزاداندیشی به او کمک کرد تا بت‌های اعتقادی و باورهای نادرست زمانش را بشناسد و در گام دوم با تکیه بر راستی‌جویی و شجاعت این ناراستی‌ها و خرافات را در هم شکسته و خطر مبارزه با کریان‌ها و اوسیچ‌ها، روحانیون دروغین آن زمان و کوی‌ها، حاکمانی که از آنها حمایت می‌کردند را به جان خرید و نتیجه آزاداندیشی و راستی‌جویی، یک جهان تازه «فرشگرت» شد.

نیچه فیلسوف بزرگ آلمانی در کتاب چنین گفت زرتشت، در فصل سه دگردیسی در تمثیلی رازگونه این سه مرحله را به شتر شدن جان و شیر شدن شتر و در نهایت کودک شدن شیر تشبیه می‌کند و در تفسیر آن اندیشیدن را به شتری تشبیه می‌کند که بار زده و راه صحرا را پیش می‌گیرد و زمانی که شتر اندیشه، صحرای بیکران دانایی را طی کرد باید شیر شود تا جرات فریاد زدن راستی‌ها را داشته باشد. کودک نیز نماد تولد و نوزایی، نتیجه آن و یک زندگی نو است.

برادران چرا در جان به شیر نیاز است؟ چرا جانور بارکش که چشم‌پوش است و شکوهمند بس نیست (چنین گفت زرتشت، نیچه)

هواخواهان دروغ

هر گاه مرد توانا شخص تبه کار را به راه راست هدایت نکند به دام فریب هواخواهان دروغ خواهد افتاد. کسی که برای هواخواهان دروغ آرزوی فیروزی کند و بدانهایی یاری بخشد از هواخواهان دروغ به شمار خواهد رفت و کسی که درست‌کرداران را دوست داشته بدانهایی ارج نهد خود در زمره پارسایان به حساب خواهد آمد. ای هستی بخش یکتا این قانون ازلی را از روز هستی یافتن بشر مقرر فرمودی (گاتها، هات ۴۶ بند ۶).

کسانی که در مقابل دروغ سکوت کرده یا از دروغ حمایت کنند از نگاه پیامبر هیچ تفاوتی با دروغ‌کاران نداشته و از هواخواهان دروغند. همانطور که گفته شد از نگاه پیامبر سرچشمه تمام بدی‌ها از دروغ است، نه تنها نباید از دروغ و دروغ‌کار حمایت کرد بلکه هیچگاه نباید اجازه توجیه دروغ را داده یا آن را نیک جلوه بدهیم.

اما پرسشی که اغلب مطرح می‌شود این است که اگر فرد در شرایطی قرار بگیرد که راستگویی و بیان حقیقت منجر به مرگ خود او یا دیگران شود، چه باید کرد؟ آیا اندیشه می‌تواند حکم به راستی بدهد؟ بهمن یا اندیشه نیک چگونه حکم به راستی می‌دهد؟ به طور مثال در نوشته‌های قدیمی آمده است که زرتشتیان یزد و کرمان در هنگام سفر، گشتی را به جای کمر به بازوی خود بسته و آن را پنهان می‌کردند تا اگر گرفتار اشرار شدند حداقل جانشان در امان باشد؛ اینجا بحث پاسداری از دین نیست بلکه جان فرد در خطر است.

برای پاسخ به این پرسش نخست باید شهریور را بشناسیم. شهریور یا «توانمندی آرزو شده» یکی دیگر از امشاسپندان است که با اندیشه پاک و راستی همراه است. از یک سو پایبند بودن به خردورزی و راستی، انسان را به توانمندی پایدار یا همان توانمندی آرزو شده می‌رساند، از سوی دیگر از عواملی که باعث می‌شود انسان بر خلاف میل باطنی‌اش گرفتار دروغ شود ضعف و ناتوانی اوست؛ به همین دلیل این سه فروزه را انسان باید با هم بدست آورد. انسانی برای رهایی و نجات زندگی‌اش مجبور است به دروغ متوسل شود که در موضع ضعف و ناتوانی است.

مهم این است که این دروغ توجیه نشود و به نام مصلحت، نیک تلقی نشود. انسان‌ها معمولاً گرفتار دروغ‌های سلسله‌ای می‌شوند که با یک دروغ

آغاز می‌شود و با توجیه آن این روند ادامه پیدا می‌کند. اگر فقط همین تفکر در وجودمان نهادینه شود که با هر دروغی، بپذیریم اشتباه کردیم از درون ناراحت شده و به دنبال دلیل و جلوگیری از تکرار آن باشیم به مرور با اندیشه و توانایی که پیدا خواهیم کرد، می‌توانیم راستی را در وجود خود نهادینه کنیم.

بر این اساس در دین زرتشتی چیزی به نام دروغ مصلحتی نداریم که بتوان به واسطه آن دروغ را توجیه و نیک جلوه داد. البته حتی متفکران و بزرگان هم که دروغ مصلحتی را قبول دارند چنین چیزی را برداشت نکرده‌اند و ایشان نیز کوشیده‌اند تا با سخت کردن شرایط دروغ مصلحتی جلوی گسترش آن را بگیرند اما در باور زرتشتی به طور کلی دادن هر نوع مجوزی به دروغ، آغاز بیراهه است و این بند یسنا نیز بیانگر همین واقعیات است که:

راه در جهان یکی است و آن راه راستی است

باز کردن کوچکترین روزنه‌ای برای دروغ باعث می‌شود، از یک سو افراد با هر توانمندی فکری به خود اجازه دهند با دروغ، مشکلات خود را حل نمایند و از سوی دیگر بزرگان و افرادی هم که در جایگاه‌های بالاتری قرار دارند با توجیه دروغ و به تعبیری مصلحت‌اندیشی می‌توانند زمینه انحرافات و خطرات بسیار بزرگتری را فراهم سازند.

«ای اهورامزدا این کشور را از سه چیز دور نگهدار دروغ و دشمن و خشکسالی»

باور به راستی و تأکید بر آن تحت هر شرایطی بزرگ‌ترین عامل پیشرفت اندیشه و راه رسیدن به بهمن است. انسانی که خود را ملزم به راستی می‌داند همواره در حال اندیشه، سنجش و جستجوی درست‌ترین راه است؛ و این، یعنی گام برداشتن به سوی کمال اندیشه.

کسی که از نیروی مینوی (شهریور) و منش نیک (بهمن) و راستی (اشا) برخوردار باشد، عشق و ایمان به او پایداری و استواری بخشد. بیگمان چنین شخصی در آزمایش سخت زندگی پیروز گردیده و در زمره بندگان نیک تو ای پروردگار محسوب خواهد شد. (گاتها، هات ۳۰، بند ۷).

باید به این باور برسیم که دروغ، زاییده‌ی کم‌خردی و ناتوانی است حتی اگر تلاش کنیم با تحلیل و استدلال از یک دروغ نتیجه‌ای به ظاهر نیک بگیریم اما در نهایت برآیند آن تباهی و زیان است، به عبارتی هیچ‌گاه هدف وسیله را توجیه نمی‌کند.

مهر و پیمان

اهورامزدا به سپنتمان زرتشت گوید من مهر را مانند خود شایسته ستایش و سزاوار نیایش آفریدم ای سپنتمان کسی که به مهر دروغ گوید و پیمان شکند و شرط وفا نداند، ویران‌کننده کشور و کشنده راستی است ای سپنتمان تو نباید عهد بشکنی خواه با یک مزدیسنا (مومن) یا دیویسنا (کافر) چه معاهده با هر که بسته شد درست و قابل اجرا است (مهر یشت).

مهر به معنی عهد و پیمان یکی از مفاهیم کهن و بارز در فرهنگ ایرانی است. مهر در اوستا از واژه «میترا» (Mithra) و در سانسکریت هم از واژه «میترا» (Mitra) گرفته شده است که معنی عهد، پیمان و محبت است. مهر به معنی عهد و پیمان با راستی بسیار همبستگی دارد، در حقیقت پابندی به عهد و پیمان، همان تعهد به راستی در اندیشه، گفتار و کردار در مقابل دیگران است.

مهر در اوستا در مقام ایزد یا فرشته نگهبان عهد و پیمان یکی از مهمترین بخش‌های اوستا به نام مهریشت را به خود اختصاص داده است. مهمترین ویژگی مهر در اوستا، ارزش و ماهیت عهد و پیمان است که غیر قابل شکست است و به خصوصیات هیچکدام از طرفین ارتباطی ندارد. به عبارت دیگر یک بهدین عهد یا پیمان را نمی‌شکند حتی اگر طرف مقابلش کافر، بدکار



یا هر کس دیگری باشد. ایزد مهر در اوستا وظیفه دارد که با پیمان‌شکنان برخورد کند که آنان را دروغ یا دروغگوی به مهر می‌شناسد. هرکسی که پیمان یا عهدی را بشکند در مقابل مهر بوده و دروغ محسوب می‌شود. مهریشت بیانگر یکی از مهمترین آموزه‌های گاهانی است که با ارج نهادن به عهد و پیمان پایه‌های پیوند و همزیستی انسان‌ها را محکم کرده و در عین حال راه هر گونه توجیهی برای پیمان‌شکنی را می‌بندد.

مرد دانا و توانایی که بنا به دستور ایزدی و با مهر خواستاران کمک را خواه از هواخواهان راستی و یا دروغ به گرمی پذیرا شود او پیرو راه اشا بوده و زندگی‌اش سرشار از راستی و درستی می‌باشد. ای هستی بخش دانا او بخردی است که با نیروی دانش گمراه را از تباهی و نیستی رهانیده و او را به خردشناسی و اتکای به نفس رهبری خواهد کرد (گاتها، هات ۴۶، بند ۵).

مهریشت یادآور دوران کهن است، با توجه به گستردگی جغرافیایی و قدمت تاریخی مهر، استاد پورداوود احتمال می‌دهد که این مفهوم نیز همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در دین زرتشتی تجدید و تکمیل شده است. با دعوت مردم به ستایش خدای یگانه، ایزدان ادیان کهن آریایی در مقام فرشته شناخته شده‌اند. هر چند که مهر جز هفتگانه مهین یا امشاسپندان نیست اما در سراسر اوستا، از مقام بسیار والایی برخوردار است. هلاندی تیل دانشمند شرق‌شناس که مهریشت را تجزیه و تحلیل کرده است از مهریشت دو صفت بنیادی برای مهر شناسایی کرده است که اول راستی و دوم دلیری است. بر این اساس باید مهریشت سرچشمه راستگویی و پهلوانی ایرانیان دانست که در دنیای قدیم ایرانیان به صورت خاص به این دو صفت شهره بودند تا جایی که یونانیان نیز که دشمنان دیرینه ایران بوده‌اند به آن اذعان داشته‌اند.

علاوه بر این، دو ویژگی دیگر مهر بینایی و فریفته نشدنی است که بیانگر این است که هیچ دروغ و عهدشکنی از چشمان بینای او مخفی نخواهد ماند و هیچ دروغ یا بدعه‌دی نیز از نظر او پذیرفتنی نیست و کسانی که دروغ گویند و پیمان شکنند و شرط وفا ندانند، ویران‌کننده کشور و کشنده راستی هستند.

عدالت

آرمان عدالت پاسداری از حق آزادی تمام انسان‌هاست (برداشت از گاتها). برقراری عدل و داد و دادگری یکی از بزرگترین آرمان‌های بشری و انگیزه‌های شکل‌گیری ادیان بوده است. همانگونه که با بی‌عدالتی و بیدادگری هیچ جامعه‌ای پایدار نمی‌ماند، خواست تمام انسان‌هاست تا کسانی که حق و حقوق دیگران را رعایت نمی‌کنند و باعث آسیب و آزار دیگران می‌شوند به سزای عمل زشتشان برسند. این خواست حتی در باورهای دینی پس از مرگ و رسیدگی به بی‌عدالتی‌هایی که در این جهان پاسخ داده نشده است مشاهده می‌شود.

رشن فرشته درستی است، اوست که از برای نجات و سعادت جهان، دیوها و زشتکرداران را نابود می‌سازد و به حساب کردار خوب و بد روان‌ها می‌رسد اگر قاضی به ناحق حکم کرده رشن آن را ندیده باشد آن‌گاه سروش به زبان شکوه گوید فضای جهان بن تنگ گردید، زیرا که در آن عدالتی وجود ندارد (یسنا، هات ۷۲).

نگاه برابر به تمام انسان‌ها جدا از هر دین، قومیت، نژاد و همچنین برابری زن و مرد ویژگی مهم آموزه‌های اشوزرتشت است. برپایه آموزه‌های گاتها تنها اهورامزداست که دادگر مطلق بوده و با تمام انسان‌ها و آفریده‌هایش به داد رفتار می‌نماید و این ویژگی آفریدگار برگرفته از مزدایی یا دانایی کل اوست.

ای خداوند جان و خرد هنگامی که در اندیشه خود ترا سرآغاز و سرانجام هستی شناختم آن‌گاه با دیده دل دریافتم که تویی سرچشمه منش پاک، که تویی آفریننده آشا و داور دادگری که کردار مردمان جهان را داوری کنی (گاتها، هات ۳۱، بند ۸).

اگر چه از نگاه اشوزرتشت، اهورامزدا تنها دآوری است که کردار مردمان جهان را به درستی داوری می‌کند. اما در جهانی که انسان حکمفرمانی می‌کند عدالت و دستیابی به برابری یکی از بزرگترین آرمانهای بشری است. اهورامزدا از یکسو آفریننده آشا یا هنجار هستی است و از سوی دیگر انسان را از دانایی خود بهره داده است تا بتواند با تکیه بر اندیشه نیک، آشا را شناخته و در جهان گسترش دهد و با برقراری عدالت و برابری تمام انسان‌ها، جامعه بشری را به سوی آرمان شهر خوشبختی هدایت کند.

آشا به معنی راستی، سرچشمه تمام نیکی‌ها و اخلاق نیک است. گسترش آشا در جهان به معنی گسترش اخلاق نیک است و اخلاقی را می‌توان نیک

به شمار آورد که بر پایه اختیار انسان و باور درونی وی شکل بگیرد، نه به ظاهر و با تکیه بر جبر. همچنین بیشتر بی‌اخلاقی‌ها از فقدان آزادی سرچشمه می‌گیرد. اگر به انسان اجازه ندهند که با آزادی حرفش را بیان کند و راهش را انتخاب کند به دروغ و راه‌های غیراخلاقی متوسل می‌شود. از طرف دیگر قانون و قانون‌گذاری، برای دفاع از حقوق انسان‌ها و برقراری عدالت یک ضرورت به نظر می‌رسد و همانطور که جهان هستی برپایه یک هنجار و نظم یا برجاست جامعه نیز نیازمند قانون است. اما عدم درک درست و جایگاه دینی مفاهیم کلیدی آزادی و عدالت زمینه رو درویی این دو را به خصوص در ساختارهای دینی در طول تاریخ بوجود آورده است.

بر پایه گاهان آزادی و آزاداندیشی بزرگترین موهبت الهی است که اهورامزدا تمام انسان‌ها را از آن بهره‌مند ساخته است حال اگر انسان یا انسان‌هایی در هر مقام و جایگاه به اتکای توان یا آزادی خود به حریم آزادی دیگران تجاوز کنند آنگاه بی‌عدالتی شکل می‌گیرد به عبارت دیگر عدالت و آزادی نه تنها دو مفهوم جدا از هم یا مقابل هم نیستند بلکه اتفاقاً فلسفه وجودی عدالت در پاسداری از حق برابر آزادی تمام انسان‌ها در جهان هستی است.

در نگاهی ژرف‌تر می‌توان به نقش و جایگاه اخلاق نیک، در شکل‌گیری قوانین و گسترش قانون‌مداری پی برد، البته اخلاقی که به پشتوانه آگاهی عمومی، زیربنای قوانین اساسی جامعه باشد. به عبارت دیگر آشا که ریشه مشترک مفاهیم راستی، نظم، قانون، عدالت و هنجار هستی است بزرگترین همراه و پاسدار بهمین یا آزاداندیشی، در دست یافتن به جهانی آرمانی است که در آن حق هیچ انسانی پایمال نمی‌شود و همه انسان‌ها در کمال آرامش و آسایش در مسیر پیشرفت قرار دارند.

ای اش و ای وهومن به اشوزرتشت و یارانش نیروی مینوی و توانایی بخشید تا در پرتو آن به جهانیان آرامش و آسایش بخشند (گاتها، هات ۲۹، بند ۱۰).

لذا قانون و قانون‌گذاری باید حداقل دو ویژگی مهم داشته باشند نخست برگرفته از اصول اخلاقی باشند و دوم پویا بوده و امکان پیشرفت و بروز شدن قوانین در بازخورد خرد جمعی وجود داشته باشد. بشریت در حقیقت با قانونگذاری، تلاش می‌کند تا خداگونه نظم و عدالت را در جهان برقرار سازد و این بدیهیست که با پیشرفته‌تر شدن جوامع و رشد خردجمعی این قوانین نیاز به تکامل و بازبینی دارند.

پروردگارا همیشه زبانم را با گفتار شیرین و اندیشمند همراه ساز و خرد را راهنمایم کن. آفریدگارا در پرتو منش پاک مرا از دستورهای اخلاقی برخوردار ساز و الهام بخش (گاتها، هات ۵۰، بند ۶).

اساس گاتها مفاهیم اخلاقی است و سراسر آن بر آموزش انسانها در شناخت و گسترش اصول اخلاقی و نیکی‌ها متمرکز است اما در گاتها هیچ حکم یا قانونی به نام دین از طرف پیامبر یا اهورامزدا آورده نشده است. آنچه که در طول تاریخ به خصوص در جوامع دینی بیش از هر چیز دیگری عدالت و آزادی را در مقابل هم قرار داده است تقدس‌گرایی قانون و قانون‌گذاری، خصوصاً به نام دین است. اگر چه تاریخ دین زرتشتی نیز از این رویه مستثنی نبوده است اما اشوزرتشت در گاتها چنین راهی را باز نگذاشته است. عدم تقدس‌گرایی قوانین باعث پویایی آنها شده و این پیش‌نیاز فرایندی است که با حاکم کردن خردجمعی بر قانونگذاری روند تکامل جوامع بشری در دست یافتن به عدالت واقعی را فراهم می‌سازد.

ارج‌گذاری و یا احترام و جایگاه آن در گاتنها

موبدیار دکتور نوشین جهانگیری



چیستی احترام، گونه‌ها و جایگاه و کاربری آن

ارج‌گذاری یکی از بنیادهای پیوندهای مردمی و هازمان (جامعه) انسانی است که نشان‌دهنده‌ی سپاس، ارزش‌گذاری و پاسداشت جایگاه و ارزش‌های وجودی خود و دیگران است. این ارزش در همه‌ی فرهنگ‌ها و آیین‌ها به‌عنوان یک دست آورد نیک شمرده شده و در استوارسازی همزیستی، سازگاری و پیوندهای درست، نقش برجسته‌ای دارد.

۱. شناسه ارج‌گذاری

ارج‌گذاری و احترام یعنی ارجمند شمردن خود و دیگران، پاسداری از جایگاه ویژه هر چیز و هرکس و برخورد شایسته و خردمندانه در گفتار و کردار. این شیوه رفتاری تنها به مردمان بسنده نمی‌شود، بلکه قانون‌ها، باورها، گیتی و حتی خویشتن را نیز دربر می‌گیرد. ارج‌گذاری یکی از پایه‌های زندگی نیک در آموزش‌های اشوزرتشت است که در گاهان و یسنا و بیشتراوستا بدان پرداخته شده است. در نگاه زرتشتی، ارج‌گذاری تنها یک رفتار همگانی و کورکورانه نیست، بلکه از اندیشه، گفتار و کردار نیک سرچشمه می‌گیرد. در گاهان، ارج‌گذاری به اهورمزدا، راستی (اشا)، خرد، گیتی و مردمان نشانه‌ای از بالندگی روان و منش آدمی است. آیین اشوزرتشت استوار بر ارزش نهادن به گیتی و آدمیان است و در این پاسداشت انسان جایگاه راستین خود را در می‌یابد و او را به داشته‌هایش آگاه می‌کند. این رفتار جلوی خودسری و غرور او را می‌گیرد و با افزایش شادمانی، درستی تن و روان را به ارمغان می‌آورد.

احترام و ارج‌گذاری در گاتنها

– ارج‌گذاری به اهورامزدا

در یسنا ۱:۲۸ می‌خوانیم:

«با دستان برافراشته تو را ای اهورامزدا تو را نماز برده و خوشبختی کامل را خواستارم و از تو می‌خواهم که در پرتو راستی و درستی و برخورداری از خرد و دانش، روان آفرینش را خشنود سازم.»

اشوزرتشت نیایش خود را با ستایش و فروتنی در برابر اهورامزدا آغاز می‌کند. این کار، یکی از گوهرهای ارج‌گذاری را می‌نمایاند: شناخت و ارج نهادن به والاتر از خویش. در جهان‌بینی زرتشتی، اهورامزدا نماد فرزاندگی و راستی (اشا) است و ارج‌گذاری راستین، با جست‌وجوی دانایی و درک راستی پیوند دارد.

در این نگرش، ارج‌گذاری تنها پذیرش بی‌چون‌وچرا نیست، بلکه با اندیشه ورزی و درست‌کاری همراه است. کسی که در راه اشا گام برمی‌دارد،

با اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک و کردار نیک، داداراورمزد و جهان هستی را ارج می‌نهد. احترام از دیدگاه زرتشت جهان شمول و بر پایه راستی است.

– ارج‌گذاری به اندیشه نیک و یا وهومن

یکی از نموده‌های برجسته‌ی ارج‌گذاری در گاهان، ارج‌نهادن به اندیشه نیک و خردورزی است. اشوزرتشت به‌جای پذیرش بی‌دلیل باورهای نادرست، مردمان را به پرسشگری، اندیشه ورزی و گزینش آگاهانه راه نیک فرامی‌خواند. او در یسنا ۲:۳۰ می‌گوید:

«پس بهترین سخنان را با گوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن ببینید و هر مرد و زن راه نیک بد را خود برگزینید.»

این بند نشان می‌دهد که ارج‌گذاری به خرد و راستی، شالوده‌ای برای گزینش درست و زندگی نیک است. در آیین زرتشت، ارج‌گذاری به دیگران نه از راه پیروی بی‌چون‌وچرا، بلکه از راه دریافت درست، شناخت راستی و برخورد خردمندانه پدید می‌آید.

– راستی و درستی (اشا - Asha)

اشا یکی از بنیادین‌ترین آموزه‌های گاهان است. اشوزرتشت راستی را به‌سان سامان هستی، دادگری و راه نیک زیستن می‌شناساند. او باور دارد که آدمی می‌بایست در اندیشه، گفتار و کردار خود بهترین راستی را برگزیند و از دروغ و نیرنگ دوری گزیند. در یسنا ۶:۳۱، اشوزرتشت می‌گوید: «آنان که در راه اشا گام برمی‌دارند و راستی را گسترش می‌دهند، به بهترین خوشبختی خواهند رسید.»

ارج‌نهادن به اشا، همان پایبندی به بهترین راستی، دادگری و درستکاری در همه‌ی زمینه‌های زندگانی است. این احترام شامل احترام به هنجارها و قانونهای قراردادی انسان‌ها که بر اساس خرد و اندیشه نیک بنیاد نهاده شده نیز می‌شود.

– ارزش به دادگری

اشوزرتشت در گاتنها بارها بر ارزش دادگری و رفتار دادگرانه با مردمان سخن گفته است و دروغکاران و شهریاران بد کردار را از سرانجام پر رنج بر حذر میدارد. او از فرمانروایان پارسا و توانمند می‌خواهد که با پیروی از اشا، با داد رفتار کنند و از بیداد و ستم بپرهیزند. در یسنا ۱۱:۴۵، او از یاران نیک و گسترنده راستی و سوشیانتها می‌خواهد که با هواخواهان دروغ مبارزه کنند و به آنها اجازه گمراه کردن دیگران را ندهند.

– ارزش به کار و کوشش (نکوش تنبلی و بیکاری)

۴۶:۱۷: «ای جاماسب دانا جنبش و کوشش بر بیکاری و تنبلی برتری دارد. هستی بخش دانا را با وجدان بیدار و با کار و کوشش پرستش کن.»

اشوزرتشت برای کار و کوشش در راه سازندگی و پیشرفت زندگانی و دنیا ارجی فراوان می‌نهد. در گاهان، کسانی که با کوشش و پشتکار، گیتی را آباد می‌کنند، ستوده می‌شوند، در حالی که بیکاری و بهره‌کشی از تلاش دیگران نکوهش شده است.

در یسنا ۳۴:۱۳، او به کارنیک و در راستای راستی ارج می‌نهد و نوید شادمانی می‌دهد. او پاداش را برای کسانی می‌داند که برای پیشرفت و آبادانی جهان بکوشند.

* ارزش مهر و دوستی (رفتار نیک با دیگران)

یکی از برترین آموزه‌های گاهان، مهربانی و مهرورزی است. اشوزرتشت به مردمان سفارش می‌کند که با فروتنی و مهر با یکدیگر رفتار کنند و از کین‌ورزی و دشمنی بپرهیزند. در یسنا ۴۸:۷ می‌خوانیم: «خشم و نفرت را از خود دور کنید و اجازه ندهید اندیشه هایتان به خسونت و ستم گرایش پیدا کند. به منش پاک و مہرو محبت دلبستگی نشان دهید.»

* ارزش به عهد و پیمان

این باور به زمانی دیر پا در ایران باستان بازمی‌گردد و ما در باور و رفتار زرتشتیان وفاداری به پیمان را به شیوه ای بارز می‌بینیم. در گاتها، اشوزرتشت با هم پیمانی با اشا و اندیشه نیک در گسترش راستی میکوشد و در این راه با از خود گذشتگی و با بهره‌گیری از نیروی مینوی خسترا و سپننه آرمیتی بر کینه دروغکاران و هواخواهان دروغ چیره می‌شود. او و هم پیمانانش با راستی از بهره‌منش نیک و پاداش بی پایان مینوی برخوردار می‌شوند.

* ارج‌داشت امشاسپندان در گاهان

امشاسپندان، به معنای «جاودانان مقدس»، در آیین زرتشتی جلوه‌هایی از فروغ اهورامزدا و پاسداران راستی و دادگری‌اند. در گاهان، اشوزرتشت آنان را نمودهایی از خرد و خواست اهورامزدا می‌شمارد و ارج نهادن به آنان را نه تنها در نیایش، بلکه در منش و کردار آدمیان ضروری می‌داند.

امشاسپندان که در گاهان از آنان یاد شده است، چنین‌اند:

• **وُهومَن** (اندیشه‌ی نیک): اشوزرتشت وُهومَن را نماد خرد و نیک‌اندیشی می‌داند. در گاهان، ارج‌داشت وُهومَن در آن است که آدمی اندیشه‌ی خویش را به راه راستی و پاکی بکشانند.

• **آشَه و هیشته** (برترین راستی): اشوزرتشت آشَه را بنیاد سامان گیتی و راهنمای آدمیان در شناخت درست از نادرست می‌خواند. ارج نهادن به آشَه، یعنی زیستن در راستی و دوری از ناراستی.

• **خُشترَه ویریه** (شهریاری نیک): این فروغ، نمود فرمانروایی دادگرانه و نیروی پاسدار راستی است. در گاهان، شهریاری راستین آن است که در خدمت راستی باشد.

• **سپننا آرمیتی** (آرامش پاک): نماد فروتنی، بردباری و مهرورزی است. اشوزرتشت بر این باور است که آدمی باید با فروتنی و مهر، حقیقت را پذیرا باشد و فروتن و بردبار بماند.

• **هُتوروتات و امرتات** (کمال و جاودانگی): این دو فروغ، نماد تندرستی، بالندگی و جاودانگی روان‌اند. اشوزرتشت، پاسداشت تندرستی و کوشش در نگاهبانی از جان و جهان را، نشانه‌ی ارج‌داشت این دو امشاسپند می‌داند. ارج نهادن به امشاسپندان، تنها در نیایش و ستایش نیست، بلکه در پیروی از آموزه‌های آنان در زندگی روزمره نمود می‌یابد:

• پاسداشت وُهومَن یعنی داشتن اندیشه‌ای پاک و دوری از بدگمانی و کژاندیشی.

• پاسداشت آشَه و هیشته یعنی راست‌گویی، درست‌کرداری و ایستادگی در برابر ناراستی.

• پاسداشت خُشترَه ویریه یعنی بهره‌بردن از توان و نیرو در ساماندهی کوشش‌های درونی و راهبری به سوی دادگری و نیکوکاری.

• پاسداشت سپننا آرمیتی یعنی مهرورزی، فروتنی و شکیبایی در برابر دشواری‌ها.

• پاسداشت هتوروتات و امرتات یعنی نگاهبانی از تن، روان و زیستگاه

* ارج‌گذاری به گیتی و سامان هستی

در باور زرتشتی، گیتی آفریده‌ی نیک اهورامزداست و باید با مهربانی، خردمندی و ارج‌گذاری از آن نگهداری کرد. در بخش‌هایی از یسنا، آمده است که پدیده‌های گیتی مانند آب، خاک، آتش و گیاهان پاک‌اند و آلوده کردن آن‌ها کاری ناپسند و نکوهیده است. این دیدگاه در روزگار کنونی نیز در نگرش به نگاهبانی از زیستگاه ارزشی بسیار دارد و نشانگر ارج‌گذاری زرتشتیان به گیتی است. در گاتها، به روان آفرینش که نماینده همه موجودات است با احترام نگریسته می‌شود و اشوزرتشت از همه می‌خواهد که در خشنودی روان آفرینش کوشا باشند. این چیزی جز استفاده بهینه و پاکیزه نگهداشتن آنچه که در این جهان هستی است، نیست.

* ارج‌گذاری به مردمان

چه کسانی در گاتها قابل ارزش و احترام هستند؟

در گاتها، اشوزرتشت ارزش و احترام را تنها برای کسانی قائل است که در مسیر اشا (راستی و نظم الهی) گام برمی‌دارند. او معتقد است که انسان‌ها باید بر اساس کردار، اندیشه و گفتار نیک ارزیابی شوند، نه بر اساس مقام، قدرت یا ثروت. در هات ۴۷ بند ۴ گاتها می‌خوانیم: «مردمان درستکار را اگر هم کم درآمد و نادار باشند باید گرامی داشت و هواخواه دروغ را اگر هم توانا و پر در آمد باشد باید از بدان دانست»

o پیروان راستی و اشا

در گاتها، کسانی که از اشا (حقیقت، راستی و دادگری) پیروی می‌کنند، بیشترین احترام را دارند. اشوزرتشت آن‌ها را انسان‌هایی می‌داند که با خرد و آگاهی، راه نیکی را انتخاب می‌کنند. اشوزرتشت به این افراد وعده می‌دهد که در جهان مادی و مینوی از شادی و شادکامی برخوردار خواهند شد.

o نیک‌اندیشان و خردمندان

افرادی که با اندیشه نیک و یا وهومن زندگی می‌کنند، در گاتها بسیار ارزشمند شمرده می‌شوند. اشوزرتشت به پیروان خود توصیه می‌کند که با خرد تصمیم بگیرند و از نادانی دوری کنند. در یسنا ۳۰:۲، او تأکید می‌کند که هر انسانی باید با گوش دادن و اندیشیدن، راه درست را انتخاب کند.

o نیکوکاران و درستکاران: در گاتها، اشوزرتشت به شدت بر ارزش کردار نیک تأکید دارد. کسانی که با نیت خالص به دیگران کمک می‌کنند، دادگری را گسترش می‌دهند و از ستم کاری و دروغ پرهیز می‌کنند، شایسته احترام هستند. در یسنا ۴۶:۱۰، اشوزرتشت به نیکوکاران مژده پاداش مینوی را دهد.

۵- آموز گاران و رهبران راستین

زرتشت در یسنا ۴۶:۱۱، برای رهبرانی که مردم را به سوی حقیقت و نیکی هدایت می‌کنند، جایگاه ویژه‌ای در نظر دارد. اما او از فرمانداران فریبکار و ستمگر انتقاد می‌کند و آنها را از فرجامی سخت می‌آگاهاند. اشوزرتشت آنها را شایسته راهبری به سوی راستی می‌داند و راستکاران را به گسترش راستی و مبارزه با ناراستی و بدی فرا می‌خواند.

۵- کسانی که با تلاش خود جهان را آباد می‌کنند

در یسنا ۵۱:۶ اشوزرتشت کسانی را که به پیشرفت و آبادانی دنیا کمک کنند احترام می‌گزارند و به پاداش نیک وعده می‌دهد. در گاتها، کار و تلاش به عنوان یک ارزش والاست. او در برابر کسانی که از تلاش دیگران سوءاستفاده می‌کنند یا تبلی و بی‌عدالتی را گسترش می‌دهند، رویکردی منفی دارد.

۵- زنان و مردانی که بر اساس راستی زندگی می‌کنند

برخلاف بسیاری از فرهنگ‌ها که زنان را نادیده می‌گرفتند، در گاتها زن و مرد هر دو به یک اندازه در انتخاب راه نیکی و اخلاقی شریک هستند. اشوزرتشت از زنان و مردانی که در راه اشا زندگی می‌کنند، خانواده را با مهر و خرد اداره می‌کنند و در نیکی از هم پیشی می‌گیرند، قدردانی می‌کند.

۵- کسانی که با آزادی و اختیار، راه نیکی را انتخاب می‌کنند

در گاتها، اشوزرتشت تأکید می‌کند که هر انسانی دارای آزادی در انتخاب میان نیکی و بدی است. اما تنها کسانی که آگاهانه مسیر اشا و کردار نیک را بر می‌گزینند، قابل احترام هستند. در یسنا ۳۱:۲۰، او اشاره می‌کند که نیکوکاران در این جهان پاداش نیک خود را دریافت خواهند کرد.

۵- ارج نهادن به خویشان و فرزندان

در جای جای گاتها اشوزرتشت همواره از همیاری و پشتیبانی خاندان خود در گسترش راستی و مبارزه با دروغ قدردانی می‌کند و از دختر خود درخواست می‌کند تا با ارج نهادن به خود و اندیشه نیک خود همسری شایسته برگزیند.

۵- ارج نهادن به خویش در گاهان

در گاهان، اشوزرتشت بر ارزشمندی آدمی و توانایی او در ساختن سرنوشت خود تأکید دارد. ارج نهادن به خویش در آموزه‌های او، نه از سر خودبینی، بلکه به معنای شناخت جایگاه والای انسان، بهره‌گیری از خرد، پرورش راستی و گزینش آگاهانه‌ی نیکی است. این نگرش، بر سه بنیاد استوار است:

۱-۵ خودشناسی و خردورزی

در گاهان، خرد جایگاهی بس والا دارد و زرتشت از آدمیان می‌خواهد که با اندیشه‌ی نیک، راه خویش را برگزینند.

این سخن نشان می‌دهد که ارج نهادن به خویش، یعنی بهره‌گیری از خرد برای شناخت حقیقت، دوری از ناآگاهی و گزینش آگاهانه‌ی راه درست است. کسی که خود را گرامی می‌دارد، به اندیشه‌ی خویش بها می‌دهد و آن را در راه نیکی به کار می‌بندد.

۲- پاسداشت روان، جان و تن:

در گاهان، آدمی همچون بخشی از آفرینش اهورامزدا، ارزشمند است و باید از خود نگهداری کند. این پاسداشت، هم در پرورش روان و اندیشه، و هم در نگاهبانی از تن و جان نمود می‌یابد.

۳- گزینش نیکی و آفرینش خوشبختی

ارج نهادن به خویش، یعنی زیستن در هماهنگی با اشه (راستی) و دوری از زیان‌رساندن به جان و روان. این نگرش، نه تنها بر خودسازی، بلکه بر تندرستی و کوشش در بهبود زندگی نیز تأکید دارد.

در آیین اشوزرتشت، انسان آزاد است که راه نیک یا بد را برگزیند، اما او را به پذیرش مسئولیت کردارهایش فرا می‌خواند. در یسنا ۴۷:۳، زرتشت می‌گوید: «هر کس با اندیش نیک مشورت کند اهورامزدا به او آرامش میبخشد.»

ارج نهادن به خویش، یعنی گزینش نیکی و ساختن زندگی‌ای که در آن وجدان آسوده و دل آرام باشد. کسی که خود را گرامی می‌دارد، با کردار نیک، برای خویش و جهان شادی و آرامش می‌آفریند.

در آیین و فرهنگ ایرانیان به فرهنگ پاسداشت و بزرگداشت تمام پدیده‌های گیتوی و مینوی پرداخته شده و جایگاه ویژه‌ای به آن داده شده است. پرسش این است که ارج گذاری به خود و دیگران چه نقشی در زندگی انسان دارد. در پژوهش‌های امروزی نشان داده شده که احترام می‌تواند به این دلایل مهم باشد:

- برپایی پیوندهای سازگار - ارج‌گزاری دوسویه، خشم و کین را کاهش داده و دوستی و همبستگی را افزایش می‌دهد.
- افزایش اطمینان و همکاری - در کار و همبود، ارج‌گزاری دوسویه همکاری را بهتر و کامیابی را بیشتر می‌کند.
- کاهش ستیزه و آشوب - بسیاری از کشمکش‌ها و ناسازگاری‌ها از نادیده‌انگاری ارزش و حقوق دیگران برمی‌خیزد.
- بالا بردن خودباوری - ارج‌گزاری به خویش و دیگران، آدمی را به خودشناسی و ارزشمندی می‌رساند.

و در آخر چگونه می‌توان با زبانی ساده ارج‌گزاری را در نشان داد:

- ❖ با فرزندی و فروتنی سخن بگوییم - بهره‌گیری از واژه‌های نیک، گوش سپردن به دیگران و پرهیز از سخنان ناسنجیده و مغرضانه.
- ❖ باورهای گوناگون را بپذیریم - ارج‌گزاری به دیدگاه‌های دیگران و گفت‌وگوی سازنده.

❖ مرزهای دیگران را بشناسیم - پرهیز از دخالت در زندگی خصوصی آنان.

❖ به پیمان‌هایمان ارج بنهیم - پایبندی به گفته‌ها و کردارها نشانه‌ی بزرگواری و درستی است.

❖ زیستگاه خود را پاک نگاه داریم - آلوده کردن محیط زیست و نابودی دارایی‌های طبیعی، موجب ناخشنودی خود و دیگران است و آینده نسل آینده را به خطر می‌اندازد. دور اندیشش و نیکاندیش باشیم

فرجام سخن

ارج‌گزاری، بنیادی‌ترین ارزش در پیوندهای مردمی است که در گاتها و اوستا به آن ارزش فراوان نهاده شده است. احترام، پیوندهای درون هر هازمان را استوار کرده، آرامش را گسترش داده و زندگانی را دل‌پذیرتر می‌سازد. اگر همگان به یکدیگر و ارزش‌های مردمی ارج بگذارند، جهانی دادگرانه‌تر، آرام‌تر و سازگارتر خواهیم داشت.

تاریخ معاصر ایران

نوروز و قاجارها

امید پارسا نژاد



درجاتهم- (یعنی متناسب با شأن هر يك) مباحی و مفتخر می سازد و هر يك از امرا نیز خدمتکاران خود را علی قدر مراتبهم به جایزه و انعام خرسند و خوشنود می گردانند. در جمیع اطراف مملکت این عید را می گیرند و غالباً تا يك هفته طول می کشد اما اصل روز اول است. در این روز جمیع طبقات ناس (مردم) لباس نو می پوشند و با یکدیگر معانقه و مصاحفه می کنند و در خانه ها شیرینی می دهند... یکی از مخصوصات سلاطین ایران این است که همیشه باید يك دسته مغنی و مطرب داشته باشند و در اعیاد و ایامی که در لشکر می باشند لوای مخصوص برپا کنند.» («تاریخ ایران»، جان مالکوم، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت)

• عهد ناصری

حدود پنجاه سال پس از نخستین سفر مالکوم به ایران، کلنل جاستین شیل سفیر بریتانیا در تهران بود. همسر او ماری شیل خاطرات خود را از دوران اقامت در ایران به صورت کتابی منتشر کرده است. روایت او از مراسم نوروز صورتی را نشان می دهد که این عید در اوایل عهد ناصرالدین شاه قاجار داشته است: «۱۰ مارس ۱۸۵۰: نوروز نزدیک است. کلنل شیل امروز مایل بود با صدراعظم (امیرکبیر) ملاقات کند، ولی به او خبر دادند که حضرت اشرف مشغول تهیه و انتخاب شال هایی است که روز بیست و دوم همین ماه (نوروز) به عنوان انعام و بخشش شاه به کلیه درباری ها اعطا خواهد شد. در چنین روزی بسته به اهمیت و مقام افراد، از شال های کشمیری که نصیب رجال والامقام می شود گرفته تا قبا و پیراهن چیت _ برای خدم و حشم درباری- به آنها تعلق خواهد گرفت... با اینکه در این دوران از شکوه و عظمت جشن های نوروزی کاسته شده و ارزش هدایای متبادله نیز نقصان یافته، بسیار بعید به نظر می رسد که این جشن ملی باستانی روزی در ایران ملغی شود، زیرا برگزاری آن در موقعیتی است که اصولاً فصل جشن و سرور و شادی همگانی است و باید اعتراف کرد که ایرانی ها در مورد برگزاری جشن سال نو معقول تر و منطقی تر از ما بوده اند. آنها به جای اینکه تحویل سال خود را مثل ما در وسط زمستان قرار دهند، آن را طوری انتخاب کرده اند که شروع سال جدیدشان درست در لحظه ورود خورشید به نیمکره شمالی و در حقیقت آغاز سال خورشیدی باشد... [در این روز] همه افراد خانواده لباس نو می پوشند و اطراف يك سفره که در روی آن انواع خوراکی ها به سلیقه رئیس خانواده چیده شده، روی زمین می نشینند... [در لحظه تحویل سال] افراد خانواده یکدیگر را در آغوش می گیرند و سال خوشی را برای هم آرزو می کنند. صفا و صمیمیت و سادگی این مراسم تا حد زیادی نمایانگر روحیات و خصوصیات اخلاقی ایرانی ها است.» (خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان)

بخشی از باب بیست و پنجم کتاب «تاریخ ایران» نوشته جان مالکوم به موضوع عید نوروز و طریقه برگزاری آن در عهد فتحعلی شاه قاجار اختصاص دارد. مالکوم نخستین فرستاده حکومت انگلیسی هندوستان به ایران بود که بنای روابط بعدی دو کشور را پی ریزی کرد. او دو بار به ایران آمد و اندوخته ها و آموخته های خود را در کتابی ارزشمند به نام «تاریخ ایران» گرد آورد. این کتاب توسط يك ایرانی مقیم هند به نام میرزا اسماعیل حیرت به نثری شیرین ترجمه شده است. به مناسبت این روزها بخش های مربوط به نوروز کتاب مذکور را مرور می کنیم.

«عید نوروز که روز وصول شمس به نقطه تقاطع ربیعی است... تا هنوز به سیاق ایام قدیم در اهالی ایران جاری است. سنین بر این رسم طعن کنند و از رسوم کفار دانند، اما ایرانیان سبب دیگر از برای اجرای این عید پیدا کرده اند بدین وجه که آن روز را جلوس حضرت علی به خلافت دانند. افسانه های بسیار در باب این روز گفته شده است. گبرانی که سابقاً سکنه ایران بودند حساب سال را به قاعده دوره شمسی می کردند. سال قمری در ایشان رسم نبود. سال ایشان به دوازده قسمت می شد، هر يك قسمت را ماه می گفتند و از برای هر ماه و هر روز از هر ماه نامی داشتند و این نام ها را از نام فرشتگانی گرفته بودند که موکل هر ماه و هر روز می دانستند و گویند عادت سلاطین قدیم ایران آن بود که در هر روز لباس مخصوص می پوشیدند چنانکه اسم نوروز «هرمزد» و لباس مخصوص به آن قرمز زربفت بوده است و دلایل عدیده گفته شده است به جهت اینکه چرا این روز به جهت عید اختیار شده است. یکی از مصنفین می گوید که خدا در این روز شروع به ایجاد عالم کرده سیارگان را به حرکت انداخت. دیگری گوید که جمشید چون بنای [شهر] اصطخر را تمام کرد در این روز در آن داخل شد و حکم کرد تا آن را عید کنند. بالجمله افسانه های دیگر نیز در این باب بسیار گفته اند، لکن حقیقت این است که ابتدای ربیع (بهار) است و انتهای شتا (زمستان) و موسم شادی و نشاط طبیعت.»

• دوران فتحعلی شاه

«رسم در ایران این است که به جهت اجرای مراسم نوروز پادشاه از شهر بیرون می رود و از وزرا و امرا و اعیان و سپاه نیز هر قدر حضور دارند ملتزم رکاب می شوند. سرپرده پادشاهی را در فضای وسیعی برپا می کنند و تخت پادشاه را در آن می نهند. در اول تحویل [سال] پیشکش های حکام بلاد و مالیات ولایات را می گذرانند و تا چند روز به عیش و عشرت می گذرانند. از جمله اسباب نشاط این ایام اسب دوانی است و اسبان پادشاه غالباً بر سایر اسبان غالب می آیند و پادشاه چابک سواران را با انعام و احسان شاهانه مفتخر و مشکور می سازد... پادشاه جمیع امرای درخانه (دربار) را به تشریفات شاهانه و خلاع ملوکانه - علی حسب

گزارش از کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی ۲۰۲۴

نوشته: کالب گودفلو

بود.

روز دوم: جوانان، آموزش و اصلاحات دینی

روز ۳۰ دسامبر با سخنرانی پروفسور آندرس-تولدو از دانشگاه تورنتو آغاز شد که درباره اهمیت جوانان در متون اوستایی و پهلوی صحبت کرد. او در سخنرانی خود، چندین مِمِمن طرز درباره این متون ارائه کرد که برای من، به عنوان فردی که این منابع را مطالعه کرده‌ام، جذاب‌تر از سایرین بود!

پس از یک استراحت کوتاه، در سالن دیگری، شورای موبدان آمریکای شمالی از یک برنامه جدید به نام «ابتکار آتروان» برای آموزش موبدان جدید در آمریکای شمالی رونمایی کرد. این طرح جدید برای آموزش زنان و مردان از هر پیشینه‌ای به عنوان موبد در آمریکای شمالی طراحی شده است.

در ادامه، برنامه‌های مختلفی در قالب جلسات کوچک‌تر برگزار شد. یکی از جالب‌ترین آن‌ها، سخنرانی دکتر فرداوس دهبار درباره مدیریت استرس از دیدگاه زرتشتی بود.

روز سوم: آینده زرتشتیان و چالش‌های پیش‌رو

روز ۳۱ دسامبر، کنگره با معرفی فعالیت‌های فدراسیون زرتشتیان آمریکای شمالی (FEZANA) و بخش جوانان آن (ZYNA) آغاز شد. در ادامه، ودا دستوری خُرشد دستور در سخنرانی خود تأکید کرد که زرتشتیان باید دین خود را اصلاح کنند و آن را بر اساس ارزش‌های واقعی‌اش ارائه دهند تا بتوانند نیازهای زمانه را پاسخ دهد.

پس از چندین سخنرانی دیگر، نوبت به جلسه «صدای خود را به گوش دیگران برسانید» رسید که در آن، زرتشتیان نظرات و دغدغه‌های خود را مطرح کردند. در نهایت، کنگره به پایان رسید و با جشن سال نو و ضیافت شبانه خاتمه یافت.

چالش‌های باقی‌مانده و مسیر آینده

اگرچه این کنگره موفقیت‌آمیز بود، اما در بازدید از آتشکده هیوستون در روز بعد، احساس کردم که فضای پذیرش و آغوش باز کنگره در این مرکز دیده نمی‌شود. به عنوان یک گرویده زرتشتی از آمریکا، احساس غریبگی کردم و حتی یکی از افراد محلی به من گفت که «زرتشتی نمی‌توانی باشی، چون از نظر نژادی به این آیین تعلق نداری!!» این نگرش، هرچند کهنه و نادرست، اما هنوز در برخی از بخش‌های جامعه زرتشتی دیده می‌شود.

در کل، این کنگره نشان داد که جامعه زرتشتیان در حال تغییر است، اما هنوز راه زیادی در پیش دارد. زرتشتیان باید آموزه‌های گاتاها را درک کنند و فراتر از اجرای آیین‌های سنتی، به عمق فلسفه و بینش این دین بپردازند. موبدان نباید فقط مجریان مراسم باشند، بلکه باید راهنمای معنوی، فکری و اجتماعی مردم باشند.

تا زمانی که آیین زرتشتی دوباره برای جویندگان حقیقت در دسترس قرار نگیرد، هرگونه صحبت از «احیا» بیشتر به یک آرزوی دور شباهت خواهد داشت. اما با این حال، امید به تغییر همچنان زنده است.

در تعطیلات سال نو، صدها زرتشتی در هیوستون گرد هم آمدند تا در هجدهمین کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی شرکت کنند. طی سه روز، کمیته‌ها و سخنرانان مختلف، از جوان تا کهنسال، از افراد سرشناس تا ساده، در مورد موضوعات گوناگون با یک محوریت اصلی به بحث و گفتگو پرداختند: چگونه می‌توان احیای دوباره آیین زرتشتی را رقم زد؟

این کنگره در هتل رویال سونستا در هیوستون برگزار شد و میزبان آن انجمن زرتشتیان هیوستون (ZAH) بود که برای پذیرایی و سرگرم کردن شرکت‌کنندگان سنگ تمام گذاشت. به طور کلی، این کنگره موفقیت‌آمیز بود، اما با وجود تمامی گفتگوها درباره احیا و رشد دوباره این آیین، در نهایت، یک نکته در ذهنم باقی ماند: جامعه زرتشتی و پیروان دین نیک زرتشت هنوز راه زیادی پیش رو دارند تا بتوانند از نو شکوفا شوند، هم در شناخت خویش و هم در مواجهه با دنیای بیرون.

روز اول: آغاز رسمی کنگره

پس از یک سفر طولانی و خسته‌کننده با خودروی برقی از تامپا، فلوریدا تا هیوستون (که به هیچ‌وجه قصد تکرار آن را ندارم)، شب ۲۸ دسامبر به هتل رسیدم. در لابی و بخش‌های عمومی هتل، زرتشتیان بسیاری از هر سن و سالی دیده می‌شدند؛ بیشتر آن‌ها پارسی بودند، اما تعدادی ایرانی نیز حضور داشتند. بعد از دیدار با چند چهره آشنا، متوجه شدم که جوانان در حال شرکت در آخرین برنامه‌های پیش از آغاز رسمی کنگره هستند. پس از دریافت بسته خوشامدگویی، نام‌نویسی و یک مچ‌بند غیرقابل جدا شدن برای کل رویداد، به اتاق خود رفتم تا برای روز بعد آماده شوم.

صبح روز بعد، با فنجانی قهوه در دست، خود را به سالن اصلی که مملو از جمعیت بود رساندم تا انتهای دعای افتتاحیه را بشنوم. پس از آن، هجدهمین کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی رسماً آغاز شد. انجمن زرتشتیان هیوستون (ZAH) در ادامه فایشنامه‌ای زیبا به نام «تصاویری از بهشت» را اجرا کرد که به تأثیر باغ‌های زرتشتی در تاریخ می‌پرداخت. این نمایش نشان داد که چگونه باغ‌هایی که کوروش و داریوش بزرگ طراحی کرده بودند، بعدها بر سنت‌های باغ‌سازی در سراسر جهان، از ایران باستان تا دنیای مدرن، تأثیر گذاشتند.

سپس اعلام شد که تمامی بلیت‌های کنگره در کمتر از دو ساعت به فروش رسیده است و یکی از اهداف رویداد، جذب ۴۰٪ از شرکت‌کنندگان زیر ۴۰ سال بوده که محقق شده است. پس از یک سخنرانی جالب درباره اهمیت سنت‌ها، نوبت به بحث پنبلی درباره تأثیر گاهان (گاتاها) در زندگی افراد رسید که در میان سخنرانان، دکتر کیکو دارودر جانجی دیدگاه‌های برجسته‌ای ارائه کرد.

در ادامه، یک جلسه بحث آزاد با عنوان «مناظره بزرگ زرتشتی» برگزار شد که به سبک مناظرات کانال یوتیوب Middle Ground طراحی شده بود. در این برنامه، شرکت‌کنندگان روی صحنه نظرات خود را مطرح می‌کردند و مخاطبان با رأی‌گیری آنلاین مشارکت داشتند. یکی از مهم‌ترین لحظات این جلسه، پاسخ شرکت‌کنندگان به این پرسش بود: «آیا پذیرش گرویدگان جدید به رشد دین کمک خواهد کرد؟» اکثریت مخاطبان پاسخ مثبت دادند که برای بسیاری، از جمله خود من، نشانه‌ای از پیشرفت و تغییرات مثبت در نگرش جامعه زرتشتی

گزارش کنفرانس حقوق بشر - نمایندگی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

نوشته گلسا شاهپور غیبی نوشین فرهاد گشتاسبی دکتر خسرو اسفندیار مهرفر

نماینده مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به حصار معرفی کرد. در این رویداد، شخصیت‌های برجسته‌ای از سطوح محلی، منطقه‌ای، ایالتی و ملی حضور داشتند.

افتخار به منشور حقوق بشر کوروش بزرگ

این کنفرانس، رویدادی مهم درباره یکی از اساسی‌ترین مسائل بشری بود. ما باید افتخار کنیم که در سرزمینی به دنیا آمده‌ایم که بنیان‌گذار آن، نخستین منشور حقوق بشر را تدوین کرد. سندی که پس از گذشت بیش از ۲۵۰۰ سال، همچنان معتبر و الهام‌بخش است.

دکتر مهرفر این پیام را به مهمانان، به‌ویژه شرکت‌کنندگان غیرایرانی، منتقل کرد:

«لازم است همه بدانند که ایران واقعی، مهد حقوق بشر است و این ارزش همچنان در قرن ۲۱ زنده و گرامی داشته می‌شود».

جمع‌بندی

امیدواریم این گزارش برای شما مفید باشد. در صورت داشتن هرگونه پرسش، لطفاً با ما در تماس باشید. خوشحال خواهیم شد پاسخگوی شما باشیم.

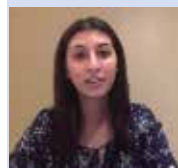
توضیحات:

SUA (Soka University of America)

دانشگاهی که با همکاری کشور آمریکا و آمریکایی‌های ژاپنی تبار سالها پیش تاسیس شده و هدف آن ارتقا دانش، تفاهم، دوستی و صلح جهانی با همکاری دستگاه‌های دولتی سازمانهای مختلف و مردم می‌باشد.



گلسا دانشجوی برجسته دانشگاه کالیفرنیا، برکلی بود و با افتخار عالی فارغ‌التحصیل شد. او اکنون تحصیلات تکمیلی خود را در مؤسسه فناوری کالیفرنیا (CalTech) ادامه می‌دهد. گلسا که به میراث خود افتخار می‌کند، در اوقات فراغت درباره ایران و آیین زرتشتی شعر می‌سراید



نوشین یکی دیگر از جوانان درخشان زرتشتی است که از دانشگاه ییل و دانشگاه کالیفرنیا، ابرواین فارغ‌التحصیل شده و در حال حاضر در یک بیمارستان کودکان در شرق آمریکا مشغول به کار است. او تاکنون موفق به دریافت چندین جایزه و افتخار شده است.



دکتر خسرو اسفندیار مهرفر در سال ۱۹۷۹ برای ادامه تحصیلات عالی به آمریکا مهاجرت کرد. او در طول سالها در مسئولیت‌های گوناگون به جامعه زرتشتیان خدمت کرده است. دکتر مهرفر همراه با همسرش رویا و خانواده‌شان در اورنج کانتی، کالیفرنیا زندگی می‌کند.

در ۱۹ نوامبر ۲۰۲۴، مرکز زرتشتیان کالیفرنیا (CZC) از دکتر خسرو مهرفر دعوت کرد تا به نمایندگی از این مرکز در کنفرانس حقوق بشر شرکت کند. این کنفرانس با حمایت سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته و همچنین چندین سازمان ایالتی، منطقه‌ای و محلی برگزار شد. یکی از موضوعات اصلی این کنفرانس، حقوق بشر و نخستین منشور آن که توسط کوروش بزرگ اعلام شد، بود.

خلاصه کنفرانس - ۷ دسامبر ۲۰۲۴، دانشگاه سوکا

این رویداد توسط دفتر حقوق بشر سازمان ملل با همکاری شورای جهانی امور بین‌الملل، گروه‌های حقوق زنان و دیگر انجمن‌های حقوق بشر در کالیفرنیا و اورنج کانتی برگزار شد. همچنین دانشجویان دانشگاه سوکا میزبان این برنامه بودند.

در این کنفرانس، سه سخنران (پنلیست) و یک مدیر جلسه (مدیریتور) حضور داشتند. در ابتدا، رئیس دانشگاه و رئیس دفتر حقوق بشر سازمان ملل در اورنج کانتی به همراه چند سخنران دیگر صحبت کردند. سپس سه پنلیست، تجربیات خود را درباره نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف مطرح کردند:

۱. پنلیست اول درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان صحبت کرد.
 ۲. پنلیست دوم شرایط پناهندگان در اردوگاه‌ها و وضعیت حقوق بشر در نپال و میانمار (برمه) را توضیح داد.
 ۳. پنلیست سوم تجربه‌های خود را درباره نقض حقوق بشر در آرژانتین ارائه کرد.
- پس از سخنرانی‌ها، مدیر جلسه بحث را برای گفت‌وگوی آزاد و پرسش و پاسخ باز کرد.

نقش دین در حقوق بشر - محور گفت‌وگوی آزاد

یکی از بحث‌های مهم این کنفرانس، تأثیر دین بر حقوق بشر بود. نورا والنسولا، یکی از برگزارکنندگان این رویداد، این موضوع را مطرح کرد و اهمیت دین در ارزش‌های جوامع و حقوق انسانی را به چالش کشید. او همچنین در ورودی سالن از دکتر مهرفر استقبال کرد و او را به عنوان



هوش مصنوعی یا زندگی مصنوعی

سوسن کیانی یزدی



در همه جوانب علمی از جمله پزشکی- سیاست - ورزش - شبکه های اجتماعی حمل و نقل و صنعت خود روسازی و.. کاربرد دارد. هوش مصنوعی در کوتاه ترین زمان و بدون خستگی و خطا بهترین اطلاعات را به کاربر میدهد اما خلاقیت طبیعی انسان را ندارد. به تدریج با استفاده مداوم ماشین ها و هوش مصنوعی انسان ها ذهن فعال خود را از دست میدهند- کاملا وابسته به ماشین و سیستم های کامپیوتری میشوند- و از سوی دیگر خیلی از شغل های غیر تخصصی به زودی از روی زمین محو میشوند. مثل چت بات هایی که هوشمندانه به مشتریان سرویس میدهند و تا چند سال آینده نیازی به نیروهای انسانی در این زمینه نخواهد بود. شما هم قطعاً به طور روزمره با چت بات های صوتی نظیر الکسا و سیری کار میکنید. پس چه خواهیم و چه نخواهیم استفاده از هوش مصنوعی اجتناب ناپذیر است و زندگی هم اکنون ما نسبت به چندین دهه آینده همانند تفاوت زندگی با عصر حجر خواهد بود. یعنی پیشرفت و مداخله تکنولوژی در زندگی روزمره باور نکردنی خواهد شد. میتوان اینچنین تصور کرد که در آینده نه چندان دور هر شخصی هوش مصنوعی را در قالب یک دستیار شخصی یا همان ربات آهنگی دارا خواهد بود که با او زندگی میکند- کار های او را انجام میدهد و با او هم صحبت میشود. اما این خوب است یا بد و آیا زندگی لطافت و طبیعی بودن خود را از دست نخواهد داد؟

هی شما!! بله خود شما!! دلتان واسه کتاب خوندن تنگ نشده!!؟ یا برای انجام دادن یک کار فیزیکی!!؟ در روز چند صفحه کتاب میخوانید؟ شاید جوابتان این باشد که در دنیای امروزی دیگر نیازی به کتاب نیست و با فشار دادن یک دکمه و یا وارد کردن کلمه به سیستم کامپیوتر دنیایی از اطلاعات پیش روی ماقرار میگردد. ولی واقعا احساس نمیکنید که همه چیز مصنوعی شده و از حالت نرمال خارج شده؟ از اجزا صورت و بدن خودمان بگیرد تا هر آنچه در اطرافمان هست: موی مصنوعی- مژه مصنوعی- لنز رنگی برای چشم- گونه و ناخن مصنوعی. ورزش برای بیشتر ما رفتن به جیم معنی پیدا میکند اما همین هم مصنوعی است چون روی دستگاه راه میرویم نه در طبیعت!! و اکنون هم که با پیدا شدن هوش مصنوعی تمام غیر ممکن ها به ممکن های مصنوعی تبدیل شده اند. همیشه این اتفاقات عجیب را توی فیلم ها و کارتون ها میدیدم ولی گویا دنیا دچار یک تحول عظیم و اجتناب ناپذیر شده است که تازه در ابتدای راه هست. کارتون والی محصول سال ۲۰۰۸ آمریکا نشان دهنده زندگی تمام و کمال ماشینی در چندین سال آینده هست که اثری از حیات در روی کره زمین نیست. تمام آدم ها فریه و جاق و زمین انباشته از ذباله و آهن پاره هست. حال سوال این است که واقعا هوش مصنوعی در زندگی ما ضروری است؟ پاسخ دادن به این سوال کمی سخت است چون وقتی از هوش مصنوعی برای سرگرمی- تنوع- تفریح- وقت گذرانی و یا سو استفاده صحبت شود پاسخ میتواند منفی باشد ولی از طرفی مبینیم که هوش مصنوعی

نودادها

لس آنجلس

- جشن سده در هر دو مرکز با هنرمایی دو گروه دف
- جشن چهارشنبه سوری
- برگزاری روز مادر و سپندارمذگان

فعالیت‌های مرکز زرتشتیان لس آنجلس از سال ۱۴۰۲ تا اکنون

برنامه‌های تفریحی و ورزشی:

- مسابقات فوتبال دستی و پینگ‌پنگ
- کمپ تابستانی دو روزه
- کمپ یک‌روزه ویژه کودکان ۹ تا ۱۲ سال در مرکز لس آنجلس
- بولینگ یک‌روزه
- گردهمایی جوانان:
- پارتنی دیسکو نایت
- پارتنی در کشتی
- گردهمایی تابستانی مؤسسه امید
- گردهمایی تماشای مسابقه فوتبال
- بازدید مدرسه شامیناد از مرکز

سایر برنامه‌ها و همایش‌ها:

- برگزاری بازارچه نوروزی
- همایش موسیقی
- گردهمایی ویژه مناسبت‌های بین‌المللی: Valentine, Halloween, Thanksgiving
- بازدید جوانان زرتشتی آمریکا و کانادا از مرکز
- بازدید کلاس‌های دینی و گردش علمی یک‌روزه از مرکز زرتشتیان
- جشن فارغ‌التحصیلی کلاس‌های آموزش دینی و فارسی همراه با بولینگ، شعبده‌بازی و غذای گرم
- کله‌پاچه‌خوران!

تهیه و ارائه غذا:

- آماده‌سازی غذا برای کلاس‌های فارسی و دینی
- این برنامه‌ها نشان‌دهنده تلاش بی‌وقفه مرکز زرتشتیان لس آنجلس برای حفظ و گسترش فرهنگ، هنر، آموزش و همبستگی جامعه زرتشتیان است.

اسامی خیراندیشان مرکز لس آنجلس

- آقای منوچهر نمیری مبلغ ۱۰۰۰ دلار برای گروه آموزش
- آقای دکتر فریدون آبتین مبلغ ۸۰ دلار برای نهار دانش آموزان
- آقای فرخ فرخنده مبلغ ۲۵۵ دلار برای نهار دانش آموزان
- خانم دکترافسون آبادیان مبلغ ۵۰ دلار
- آقای سیامک کریمی مبلغ ۲۰ دلار
- مدرسه شامیناد مبلغ ۱۵۰ دلار
- آقای مهندس بهنام آبادیان مبلغ ۱۵۰ دلار برای مهمانی جوانان
- خانم سیمین دخت اهورایی اهدا دو قالیچه

برنامه‌های مذهبی و فرهنگی:

- برگزاری چهره‌های گهنبار
- باز بودن درب مرکز در روزهای وره‌رام ایزد
- برگزاری مراسم استاد ایزد به سرپرستی دکتر موبد یار نوشن جهانگیری
- همراه با برنامه‌های دینی و آموزشی
- پرسه‌ها و مراسم یادبود

کلاس‌های آموزشی:

- کلاس‌های فارسی و دینی زیر نظر گروه آموزش، یک هفته در میان روزهای یکشنبه
- کلاس دف:
- به سرپرستی خانم پریسا باوفا (چهارشنبه‌ها)
- به سرپرستی خانم آرزو کوچکان (دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها)
- کلاس پیانو به سرپرستی خانم بانو عدالت (شنبه‌ها)
- کلاس زومبا به سرپرستی خانم پانید سهراب (یک هفته در میان، شنبه‌ها)
- کلاس رقص به سرپرستی خانم یاسمن فروزش (یکشنبه‌ها)
- کلاس هنگ‌درام به سرپرستی آقای میثاق اسحاقی (چهارشنبه‌ها)
- کلاس شعر و ادب فارسی به سرپرستی خانم منیژه سهرابی (چهارشنبه‌ها)
- برنامه شعر و ادب فارسی به سرپرستی آقای مهندس هوشنگ کبیر و خانم منیژه سهرابی همراه با اجرای موسیقی سنتی به سرپرستی استاد محسن ابطحی و یاران دل‌نواز (سه‌شنبه‌ها)

جشن‌ها و گردهمایی‌ها:

- جشن زایش و درگذشت اشو زرتشت
- جشن‌های نوروزی ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ و اجرای برنامه توسط شاگردان

گروه آموزش

- جشن نوروزی ویژه گروه جوانان ۱۴۰۳
- جشن تیرگان برگزار شده توسط گروه آموزش در پارک
- گردهمایی روز زیارت پیرسبز و گهنبار و روز پدر در پارک التادینا
- جشن مهرگان ۱۴۰۳ که در آن پرچم آمریکا، که بر فراز ساختمان کنگره واشنگتن برافراشته بود، به رسم یادبود به مرکز زرتشتیان لس آنجلس اهدا شد. همچنین، به اعضای هیئت‌مدیره تشویق‌نامه‌ای تقدیم گردید که این امر با تلاش آقای سام بیلی موریبا صورت گرفت. این جشن شامل اجرای دف، سه‌تار (آقای بهمنیار)، پیانو، هنگ‌درام و رقص بود.
- جشن شب یلدا



خانم بهین بهدینان مبلغ ۱۰۰ دلار برای گهنبار
 آقای کیوان منوچهری مبلغ ۱۵۰ دلار
 خانم میترا زرتشتی-برخوردار مبلغ ۱۰۱ دلار برای اولین سال درگذشت
 دخترشان نازنین برخوردار
 خانم مهین آبادیان مبلغ ۱۰۱ دلار برای اولین سال درگذشت نوه شان
 نازنین برخوردار
 خانم هما سهیل- زرتشتی مبلغ ۱۰۱ دلار برای اولین سال درگذشت
 نوه‌شان نازنین برخوردار
 آقای فرخ و خانم گلی فروغی مبلغ ۱۰۱ دلار برای گهنبار
 آقای فرخ و خانم گلی فروغی مبلغ ۲۵۰ دلار برای مهمانی کشتی جوانان
 آقای دکتر پریز و خانم ماهرخ نامداری مبلغ ۵۰۰ دلار

سن دیگو

گروه مدیران زرتشتیان سن‌دیگو با افتخار گزارشی از عملکرد چشمگیر این مرکز را به آگاهی همکیشان گرامی می‌رساند.
 جشن شب چله در تاریخ ۲۱ دسامبر به کوشش گروه جشنها و با همکاری خودجوش گروهی از هموندان زرتشتی برگزار گردید. تمامی بلیط‌های این برنامه در مدت کم‌تر از سه هفته به فروش رسید. این برنامه با سرود به یادماندنی و دلنشین ای ایران آغاز شد. سپس گروه جوانان، گاتها خوانی دو بند از گاتها را به فارسی و انگلیسی اجرا کردند. در ادامه، گروه شاهنامه خوانی به سرپرستی استاد بهروزیان، داستان سیاوش را به زبان‌های فارسی و انگلیسی به صورت افتخاری اجرا نمودند. سپس دو نونهال هنرمند زرتشتی سازهای ویولون و تنبک نواختند. در ادامه ی برنامه، گروه دف مرکز سن‌دیگو با هدایت استاد مسیح به هنرمایی پرداختند. برای اولین بار برنامه چک و دوله (فال کوزه) توسط بانوان زرتشتی در این شب دل انگیز اجرا گردید. سپس در قسمت استعداد ها، چهار نفر از هموندان به نواختن تنبک و عربونه پرداختند و دو عزیز دیگر شعر گل سنگم را

خیراندیش مبلغ ۶۵۰ دلار برای گروه آموزش
 خانم دکتر افسون آبادیان مبلغ ۲۰۰ دلار
 خانم سیما شیدفر مبلغ ۶۰۰ دلار برای گروه آموزش هزینه اتوبوس به
 موزه گیتی Medicine Shoppe
 مبلغ ۲۰۰ دلار برای گروه آموزش هزینه اتوبوس به موزه گیتی
 آقای کوروش قبادی مبلغ ۲۰۰ دلار برای گروه آموزش هزینه اتوبوس به
 موزه گیتی
 خانم دکتر پریسا عزتی-یزدانی مبلغ ۱۰۰ دلار برای گروه آموزش هزینه
 اتوبوس به موزه گیتی
 خانم نیوشا و دکتر شهرام غریب شاهی مبلغ ۳۰۰ دلار برای بازارچه نروزی
 خانم مهناز ایدون مبلغ ۲۰۰ دلار برای بازارچه نروزی
 خیراندیش مبلغ ۱۵۱ دلار برای گروه آموزش
 خانم آرمیس جوانشیرمبلغ ۱۰۱ دلار برای گهنبار به یادبود روانشاد پریمرز
 فیروزگر
 آقای سیامک کریمی مبلغ ۲۰ دلار
 آقای دکتر پریز و ماهرخ نامداری مبلغ ۵۰۰ دلار
 خانم سوسن باختری مبلغ ۱۰۱ دلار برای بازارچه نروزی
 آقای مهربود و خانم فرشته مزدیسنی مبلغ ۵۳۰ دلار برای بازارچه نروزی
 خانم سیما شیدفرو آقای کیکاووس ورجاوند مبلغ ۲۰۵۰ دلار برای پیرسبز
 خیراندیش مبلغ ۵۰۰ دلار برای گهنبار
 آقای سیامک کریمی مبلغ ۳۰ دلار
 آقای خسرو شهریاری مبلغ ۲۰۰ دلار برای جشن پایان سال دانش آموزان
 خیراندیش مبلغ ۵۵۰ دلار برای پارکینگ جشن شب نوروژ
 خانم دکتر افسون آبادیان مبلغ ۵۰۰ دلار
 خانم آرمیس جوانشیرمبلغ ۱۰۰ دلار برای خرید کادو جشن پایان سال
 دانش آموزان
 آقای کامران یسنافر مبلغ ۱۰۰ دلار
 آقای جمشید شاهرخ مبلغ ۲۰۰ دلار



های قوانین شهری، اجازه آتش افروزی در این مکان فراهم نگردید. این گردهمایی در پسین به پایان رسید تا باشندگان در صورت تمایل بتوانند به مراسم جشن سده در اورنج کانتی بپیوندند و در آیین آتش افروزی آن مرکز شرکت کنند.

در روز شنبه ۱۵ ام فوریه جشن اسفندگان به کوشش گروه بزرگسالان زرتشتی ZAAC-SD در مرکز زرتشتیان سنديگو برگزار گردید. در آغاز، به بانوان حاضر شکلات های قلبی پیشکش شد. سپس باشندگان در کلاس زبان انگلیسی که توسط خانم شیرین کام باستانی آموزش داده می شود، شرکت کردند. در ادامه خانم نسترن و آقای آرین بانکی با آموزش یوگا شور و سر زندگی را برای باشندگان به ارمغان آوردند. سپس خانم ژیلایبی درباره تاریخچه پربر ایرانی و زرتشتی و جشن اسفندگان و بزرگداشت روز بانوان زرتشتی، سخنرانی نمود. در ادامه جمعی از هموندان هیت مدیره سنديگو با پیشکش تندیس فروهر از کسانی که در چند سال گذشته یاری رسان این گروه بودند سپاسگذاری کردند. سپس هموندان به بازی تخته نرد و بینگو پرداختند و در پایان، جشن زادروز هموندانی که در این ماه زاده شدند برگزار شد. در این جشن از باشندگان با چای، شیرینی و ناهار گرم پذیرایی گردید.

در تاریخ ۲۳ فوریه، نمایش طنز اجتماعی، خواب و بیدار، به کوشش گروه هنر و موسیقی و به کارگردانی آقای محمود بهروزیان در مرکز سنديگو برگزار گردید. این نمایش با استقبال پر شکوه ایرانیان زرتشتی و غیر زرتشتی روبرو شد.

جلسات شب شعر در اولین یکشنبه همراه از ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر با حضور چشمگیر ایرانیان سنديگو برگزار میشود. تمرین فوتبال، هر هفته چهارشنبه ها ساعت ۶:۳۰ پسین در Boys & Girls club واقع در ۴S Ranch برگزار میگردد.

همنوایی کردند. در آخر، برای تمامی عزیزانی که در ماه دسامبر متولد شدند جشن تولد گرفته شد و این شب شورانگیز با رقص و پایکوبی به پایان رسید.

گهبار چهره میدیام گاه در تاریخ ۴ ژانویه ۲۰۲۵ با اوستا خوانی موبد فریبرز شهزادی در مرکز زرتشتیان سنديگو برگزار گردید. این مراسم با دهش خانم همایون خسرویانی به نامگانه همسرشان، زنده یاد گشتاسب کرمانی برگزار شد. پس از اوستا خوانی، خانواده روانشاد گشتاسب کرمانی با پخش فیلمی از زندگی پر بار ایشان، یاد و خاطره شان را زنده کردند. در ادامه از باشندگان با لاک، میوه، چای، شیرینی، آش و گوشت بریانی پذیرایی گردید.

گزیده ای از زندگینامه آقای گشتاسب کرمانی به شرح زیر میباشد:

گشتاسب کرمانی در سال ۱۳۰۰ در شهر یزد زاده شد. ایشان زندگی خود را وقف آموزش و حفظ فرهنگ ایرانی و زرتشتی نمود. از بارزترین دوران کاری ایشان می توان به تدریس در مدرسه استاد خدابخش تهران پارس و دبیرستان کیخسروی یزد اشاره نمود. ایشان همچنین سالیان زیادی در سمت مدیر دبستان جمشید جم خوش درخشید. روانشاد گشتاسب، به مدت پنج سال به عنوان عضو فعال انجمن زرتشتیان جوانان یزد خدمت نمود و همچنین هموند هیت مدیره دوره سی و چهارم انجمن زرتشتیان تهران بود. علاقه گشتاسب کرمانی به فرهنگ، شعر و هنر ایرانی و زرتشتی باعث شد تا نشریه پندارها که یکی از اولین ماهنامه های زرتشتیان بود را به چاپ برساند و به مدت چهار سال آن نشریه را مدیریت کند. روانشان شاد.

گروهی از زرتشتیان سنديگو به مناسبت بزرگداشت جشن سده در روز شنبه ۲۵ ژانویه از ساعت ۱۱ نیمروز تا ۴ پسین در مرکز زرتشتیان سنديگو گردهم آمدند. در این گردهمایی خودمانی که به صورت سفره همگانی (نبری و غیر نبری) برگزار گردید، باشندگان با همنوایی آهنگ های سنتی و دینی، حرکات موزون و بازی های تخته نرد و ورق بازی، جشن سده و آیین دورهمی را پاس داشتند. شایان توجه است به دلیل محدودیت



برنامه های آینده مرکز زرتشتیان سندیگو:

در تاریخ ۲۹ مارس، جشن شب نشینی نوروز به کوشش گروه جشنها از ساعت ۵ تا ۱۰ شب برگزار میگردد. این جشن شامل پذیرایی کامل به روش ایرانی به همراه رقص و پایکوبی است.

نیوکوکارانی که این مرکز را یاری رسانده اند به ترتیب زیر میباشد:

آقای محمود بهروزیان و گروه نمایش شاهنامه مبلغ ۴۰۰ دلار (اجرای شاهنامه خوانی افتخاری)
خانم مهوش پارسایی و آقای دکتر تیرانداز گشتاسبی ۳۵۱ دلار
خانم رامک رهنمون و آقای فرهاد کرمانی مبلغ ۳۵۰ دلار
آقای دکتر شاهرخ تورنجی ۲۰۰ دلار
خانم دکتر مهرناز ایرانی و آقای دکتر رامین امانی مبلغ ۱۴۰ دلار
خانم میترا یزدانی بیوکی و آقای کامبیز مرزبانی مبلغ ۱۰۱ دلار
آقای موبد فریبرز شهزادی و منیژه پارسا مبلغ ۱۰۰ دلار
خانم پوران نیرانیان و رستم اختراوری مبلغ ۱۰۰ دلار
خانم سلطان کوکلی بوستانی مبلغ ۱۰۰ دلار

اورنج کاتی

جشن شب یلدا با همکاری گروه جوانان از ساعت ۶ پسین روز شنبه ۲۱ دسامبر همراه با برنامه های شاد و دی جی در مرکز برگزار شد. آیین درگذشت اشوزرتشت با همکاری گروه بانوان در روز چهارشنبه پنجم دیماه برابر باروز خورایزد (بیست و پنجم دسامبر) در ساعت سه پسین در مرکز برگزار شد. گهنبار چهره میدیامر گاه با همکاری گروه گهنبار از ساعت ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۵ ژانویه ۲۰۲۵ در مرکز برگزار گردید.

جشن سده همراه با آتش افروزی و برنامه های فرهنگی و شاد هنری و موسیقی از ساعت ۶ پسین روز شنبه ۲۵ ژانویه با همکاری گروه جشنها در مرکز برگزار شد.

پرسه همگانی اورمزد و اسفند ماه از ساعت ۳ پسین روز پنجشنبه ۱۳ فوریه با اوستاخوانی موبدیار بوج والا در مرکز برگزار شد.

جشن والتین با همکاری گروه جوانان از ساعت ۶ پسین روز آدینه ۱۴ فوریه همراه با برنامه های شاد و دی جی و رقص برای جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال در مرکز برگزار شد.

جشن سپندارمزدگان با همکاری گروه بانوان از ساعت ۶ پسین روز شنبه ۱۵ فوریه در مرکز برگزار شد.

گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا کلاسهای آموزش موسیقی تار - پیانو - دف و تنبک را به گونه بودنی در مرکز برگزار مینماید.

گروه نوازی و آموزش دف توسط استاد آرزو کوچکان برای همه گروه های سنی و تمام سطح ها بامداد روزهای یکشنبه در مرکز برگزار میشود.

آموزش رقص دونفره و گروهی برای پسر ها و دخترها در گروه های سنی مختلف توسط بانو پری با بیش از ۳۰ سال پیشینه آموزش رقص در سبک های ایرانی - هیپ هاپ - کاپل - ترکی - کردی - سماع - فلامینگو و بلی در روزهای یکشنبه در مرکز برگزار میشود. برای آگاهی بیشتر در مورد کلاسها و نامنویسی به لینک <https://czc.org/art> بروید.

به آگاهی میرسانیم که برای بهره مند شدن از مزایای مرکز لازم است هموند مرکز شده و سالانه هموندی خود را نو نمایید. گروه هموندی (ممبرشیپ) مرکز زرتشتیان کالیفرنیا سیستم نو گرداندن هموندی به گونه خودکار را راه اندازی کرده است. برای آگاهی و راهنمایی برای هموند شدن به تارهای مرکز بنگرید. <https://membership.czc.org>

از شما هموندان گرامی درخواست داریم تا با دهش خود از مرکز زرتشتیان کالیفرنیا که یک نهاد شناخته شده زرتشتی در آمریکای شمالی است پشتیبانی کنید. در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، با ارائه کمکهای پزشکی و آموزش های دینی، ارزش های *اشا* (راستی) و *وهومنه* (نیک



بانو منیژه غیرتی بنامگانه همسرشان روانشاد جهانگیر چمی ۱۱۰ دلار.
 بانو مهرناز و آقای پرویز منوچهری برای خرید وسایل ورزشی برای اطاق بازی نوجوانان ۱۵۴۳ دلار
 آقای شهرام آبیاری بنامگانه روانشاد کیاندرخت باستانی ۲۰۰۰ دلار.
 بانو آناهیتا و آقای بابک افشاری برای خرید وسایل ورزشی برای اطاق بازی نوجوانان ۳۰۰ دلار.
 بانو ویستا و آقای الوند زین آبادی برای خرید وسایل ورزشی اطاق بازی نوجوانان ۳۰۰ دلار.
 بانو ماندانا پیشدادی بنامگانه روانشاد میترا پیشدادی برای پرسه اورمزد و اسفند ماه ۱۰۰ دلار.
 آقای پرویز سهیل بنامگانه روانشاد پروانه فرین سهیل برای پرسه اورمزد و اسفند ماه ۲۵۰ دلار.
 بانو منیژه بنشاهی بنامگانه روانشاد رستم بهمرد بنشاهی برای پرسه اورمزد و اسفند ماه ۲۰۰ دلار.
 بانو مژده هروسپ و آقای جمشید اورمزدی بنامگانه روانشاد هوشنگ هروسپ ۲۰۱ دلار.
 بانو پروین و آقای گشتاسب دشتکی ۳۰۱ دلار.
 با سپاس از همه دهشمندان ، برای همگی تندرستی و شادکامی آرزومندیم.

اوستا خوانی:

آقای هرمز جاودانی برای اوستاخوانی سال روانشاد شروین بهروزیان جاودانی ۱۱۰ دلار
 بانو هما امانی برای اوستاخوانی سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۲۰۰ دلار.
 بانو گلناز امانی برای اوستاخوانی سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۱۰۱ دلار.
 آقای دکتر رامین امانی برای اوستاخوانی سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۱۰۱ دلار.
 آقای دکتر رامبد امانی برای اوستاخوانی سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۱۰۱ دلار.

اندیشی) را زنده نگه میداریم و برای پیشبرد جامعه خود تلاش میکنیم. با همیاری و کمک مالی خود ، ما را در ادامه این تلاشها یاری رسانید. سپاسگزاریم. دهش شما از بخشودگی مالیاتی برخوردار میباشد.

دهشمندان :

بانو شیرین و آقای سروش سروشیان ۱۰۰۰ دلار.
 آقای اردشیر باغخانیان بنامگانه روانشادان اختر و کیخسرو باغخانیان برای نهار روز یکشنبه ۱۷۷ دلار.
 آقای فرزین نوروزی بنامگانه روانشادان منوچهر خداداد نوروزی - مهربایی خداداد نوروزی - مروراید نوشیروان یزدانی اله آلدی و شهریار خداداد باستانی اله آبادی ۴۰۴ دلار.
 آقای شاهجهان کسروی ۱۰۱ دلار.
 آقای مهرداد - شیرین و مهربانو زمردی بنامگانه مادرشان روانشاد کتایون سروشیاری زمردی ۳۰۰۰ دلار.
 آقای هرمز جاودانی ۵۰ دلار.
 آقای کاوه تهرانی ۳۰۰ دلار.
 آقای دکتر مهرداد مهداد ۱۵۰۰ دلار.
 بانو پروانه سروشیان ۱۰۱ دلار.
 بانو گلرخ و آقای هوشنگ سیروسی ۳۰۰ دلار.
 بانو فرشته یزدانی خطیبی ۲۰۰ دلار.
 بانو شیرین و آقای شیرمرد فرهمند ۱۰۰۰ دلار.
 بانو ایراندرخت جهانیان ۴۰۰ دلار.
 بانو آریانا ز هدایتی بنامگانه روانشاد آریا هدایتی ۱۰۰ دلار.
 بانو مهربانو و آقای رشید پارسا ۲۰۰ دلار.
 بانو هما مالگنجی بنامگانه روانشاد مهرجی اردشیر مالگنجی ۴۰۰ دلار.
 بانو ژانت و آقای داریوش فرجودی ۵۰۰۰ دلار.
 دهشمند ۹۴ دلار.
 بانو سیمین و آقای پرویز اردشیرپور ۲۰۱ دلار.

بانو سرورمزدایی برای اوستاخوانی سال روانشاد گیتا مزدایی ۱۱۰ دلار.
بانو پریخ کیهانی برای اوستاخوانی سال روانشادان اردشیر خداداد کیهانی
و اختر شجاعزادگان ۱۰۰ دلار.
بانو پروانه نمیری برای اوستاخوانی روانشاد رشید آبادان ضیاطبری ۱۰۰ دلار.
دهشمند برای اوستا خوانی سال مادرشان ۱۰۰ دلار.

درگذشتگان :

به روان همه درگذشتگان پارسا درود باد
درگذشت روانشادان پروانه فرین سهیل - تهمتین هرمزد آرش - سروش
مهرداد - کیاندهخت موبد جمشید اشیدری و مهین بانو موبد شهزادی - را
به خانواده های آن روانشادان و خانواده های وابسته و دوستان و آشنایان
آرامش باد گفته ، آمرزش و شادی روان تازه درگذشتگان و تندرستی و
دیرزیوی خانواده را از اهورامزدا خواستاریم .

اطلاعیه مهم

سامانه جدید مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای اعلام درگذشت عزیزان و پرسه
بر آیم که در زمان های سخت از دست دادن عزیزان ، پشتیبان جامعه
خود باشیم . بدین منظور برای احترام به خواسته های هر خانواده، هیئت
مدیره های اورنج کانتی، لس آنجلس و سن دیگو تصمیم گرفته اند که از
یک روش هماهنگ برای اعلام درگذشت عزیزان استفاده کنند و از اول
ژانویه ۲۰۲۵ تمام آگهی درگذشتگان از طریق صفحه اینستاگرام جدید ما
که لینک آن در پایان این خبرنامه قرار دارد، منتشر خواهند شد.
هدف ما از شروع این سامانه اینست که اخبار درگذشت و پرسه را به
موقع و به صورت یکنواخت به اطلاع جامعه برسانیم، به امید اینکه این
روش، بستری مناسب و قابل دسترس برای همه باشد.

روش کار:

خانواده هایی که می خواهند درگذشت عزیزشان را اعلام کنند، باید نام
و نام خانوادگی درگذشته و همسر و فرزندان را به فارسی و انگلیسی به
ایمیل Porseh@czc.or ارسال کنند
. آگهی درگذشتگان با یک قالب یکسان تهیه خواهد شد
. آگهی ها به دو زبان انگلیسی و فارسی خواهند بود
. برای پرسه، در صورت درخواست یک لینک زوم به آگهی اضافه خواهد
شد .
. برای هرگونه سوال در این مورد و یا نیاز به کمک برای ارسال اطلاعات،
لطفاً با ما تماس بگیرید
. امیدواریم این سامانه جدید راهی ساده و مناسب برای آگاهی رسانی
در این مورد باشد .

گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

با سپاس

اسامی افرادی که در تاریخ پانزدهم ژانویه ۲۰۲۵ مبلغ پنجاه دلار با بیشتر برای برگزاری گنبار دهش نموده اند:

آقای شهرام ، خانم هدیه و شیرین راوری یک یخچال بزرگ و یک فریزر
بزرگ به مرکز اهدا نمودند
خانم دکتر گوهر خسروی بنامگانه
پدرشان دکتر روانشاد دکتر فریدون خسروی ۱۰۰۰ دلار
خانم دالی و آقای رستم شیرمردیان و خانواده از محل موقوفات روانشاد
رشید شیرمردیان ۳۰۰ دلار
آقای بهنام یکتایی کمک غیر نقدی
خانم مهین و آقایان رستم و رامین دهموبد کمک غیرنقدی
خانم فرشته خطیبی ۲۰۰ دلار
خانم مهرناز و آقای شاپور گویو ۲۰۰ دلار
آقای حمید عبدی بنامگانه مادرشان روانشاد پروین خلیلی ارومیه ۲۰۰ دلار
آقای سهراب رستمیان بنامگانه روانشادان پدر و مادرشان برزو و فیروزه،
پدر بزرگو مادر بزرگشان جهانگیر و، شیرین، رستم و کتابون ۲۰۰ دلار
آقای منوچهر همتی بنامگانه روانشادان فرخنده همتی ، اردشیر همتی و
آدریاد همتی ۲۰۰ دلار
آقای کورش فروزش و خانواده کمک غیر نقدی
آرمین سلامتی بنامگانه روانشاد هوشنگ سلامتی ۱۲۰ دلار
خانم دکتر رویا و آقای دکتر رامبد امانی ۱۰۱ دلار
خانم مهشید دارابی بنامگانه روانشادان مروارید استقامت و سهراب
دارابی ۱۰۱ دلار

افرادی که ۱۰۰ دلار دهش نموده اند:

خانم سهیلا پارسا نژاد بنامگانه هما روانان
آقای دینیار دمهری برای سلامتی و خانواده شان
خانم ناشا و آقای هومن ورجاوند برای تندرستی فرزندان
آقای دینیار دمهری برای سلامتی خود و خانواده
خانم دلنواز آبتین بنامگانه روانشاد دکتر آبتین
خانم شیرین عبد برای سلامتی خانواده
خانم شهرزاد و آقای کورش رشتتاری بنامگانه روانشادان منوچهر رشتتاری،
پروین ماوندادی و جمشید رستم دهموبد
یک خیر اندیش
اسامی افرادی که ۵۰ دلار دهش نموده اند:
خانم فیروزه اردشیری از تورنتو
خانم بهناز و آقای ایرج سلامتی
خانم شیدرخ نوذری بنامگانه روانشادان پریدخت فریدون آمیغی و دینیار
رشید نوذری
با سپاس فراوان از تمام دهشمندان، موبدان و دیگر افرادی که همیشه در
برگزاری مراسم گنبارها بطور داوطلبانه خدمت کرده اند ، برای همگی
تندرستی ، شادکامی و پیروزی آرزو داریم.

212
Mar 2025

CHEHREH NAMA

Publication of California Zoroastrian Center

www.czcjournal.org

HAPPY NOWRUZ



Saviors of Iranian Zoroastrians

Non-profits Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

California Zoroastrian Center
Hazard Ave 8952
Westminster, CA 92683

Editor's note :

Saoshyant in the Gathas is referred to as a benefactor- one who brings benefit to humanity. As a collective Saoshyants move the world towards perfection (Frashokereti). Anyone can be one with the right vision and Vohumana. I hope we can each be inspired to be a Saoshyant. We honor a few such individuals in the spring edition as saviors of Iran's Zoroastrian community more than a century ago.

Certainly, there are more such individuals in this group who perhaps were lesser known or have not been written about and we hope to find and honor all of them at some point.

My son-in-law gave me the book "Exile and the Nation" by Dr. Afshin Marashi. This book really opened my eyes to the details of what the status of Zoroastrians in their homeland was in the early 1900's as well as how the community was resurrected by a group of Parsi and Iranian Saoshyants.

Let us retell their feat and let us instill in our children what this means and not let the history be forgotten. It is our duty to educate the next generation with this knowledge. Without individuals such as Keikhosro Shahrokh, Dinshah Irani, Maneckji Hataria, Peshotanji Marker, Ebrahim Pourdavood, Lady Cama, and so many more would our Iranian Zoroastrian community still be in existence today?

Knowledge is power and by knowing our past we can better navigate our future. In this ever-changing world as the earth renews, we cherish the shift from the cold winter months to rejuvenation of nature.

This renewal gives us all an opportunity for personal transformation and reconnection.

Happy Nowruz

Ushta,

Fariba

For your advertisement needs
contact Cheherenama at:
(714) 893 4737
czcjournal@cninfo.org

Cheherenama creative director:
Shahin Khorsandi
Cheherenama web :
Ramin Shahriari

Shahin Khorsandi

Meher Star Studios

Owner & Creative Director

Art Direction, Graphic Design, Branding, Jewelry Design

Contact us for free consultation

(843) 222-0067 | meherbabashah@gmail.com

California Zoroastrian Center

8952 Hazard Ave Westminster,
CA 92683

Chehrenama's Email:
cninfo@czcjournal.org

Tel: (714)893 4737

Fax: (866)741-2365

CZC publication website:

www.czcjournal.org

You can donate

online to any CZC publication
by going to:

www.czcjournal.org and at the of
bottom of the page you will see
the following:

please consider donating to
chehrenama

Thank you

CZC will send you IRS accepted
receipt IRS for any donation of
amount.

Editorial Policy:

The opinions expressed in
articles we publish are those
of the authors , and may or
may not represent the views
of the Editorial Board of
Chehrehnama, or the Board of
Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly
publication published in March,
June, September and December

United Nations Human Rights Conference in Orange County

By: Golsa Shahpour Gheibi, Nusheen Farhad Goshtasbi & Dr. Khosro Esfandiar Mehrfar



On November 19, 2024 the California Zoroastrian Center (CZC) asked Dr. Khosro E. Mehrfar to attend the Human Rights Conference on behalf of the CZC & represent our Center for this event. The Conference was sponsored by several international organizations including the United Nations & its associated chapters. In addition there were multiple State, regional and local organizations and related institutions. One theme of the Conference was centered around the Human Rights and the first declaration of its charter by Cyrus the Great.

Following is a quick summary report of this conference along with some pictures and videos that took place on Saturday December 7, 2024 at SUA.

This event was organized by the United Nations Human Rights (UNHR) in association with World Affairs Council and its OC branch along with Women's Rights groups and various UNHR associations & organizations in California & OC & student groups at SUA with hosting at Soka University. There were 3 panelists with one moderator. A brief clip of the panelists in the videos are attached.

The president of the University along with the president of UNHR-OC chapter and a few other speakers spoke first and then the 3 panelists shared their experiences in 3 separate countries. First panelist talked about the Human Rights in Afghanistan, second one in refugee camps and in Nepal & in the country of Myanmar (Burma) and the third panelist presented his experiences in Argentina. All 3 panelists listed the HR abuses that have been going on in these regions and at the end of their presentations, the moderator opened up the conference for further discussions.

The role of Religion, a critical factor was the starting point of the open discussion. This critical aspect of Human Rights & the impact

of Religion on the value of Human societies and even on Human Life, was introduced to the audience & put to test by Mrs. Nora Valenzuela, a highly respected individual and one of the organizers of this event.

Mrs. Nora Valenzuela received Dr. Mehrfar at the main entrance hall and introduced him to the audience as the representative of the California Zoroastrian Center in California. There were many high-ranking guests at various local, regional, State and National levels.

This was an important conference on a critical matter. We all need to be proud to be born in a Country that her Founder created the very first Declaration of Human Rights. A crucial document in Human History that even after passage of time for more than 25 centuries it still remains so relevant, ever-fresh and ever-last. This was the message that Dr. Mehrfar shared with the distinguished guests specially the non-Iranians who attended the conference. It was to make sure, they all know who we are and where we have come from and that the Real Iran is the origin of Human Rights which is celebrated in 21st century.

We hope you find above report useful. If you have any questions, please let us know, we will be happy to respond.

Golsa was a brilliant student at the University of California, Berkeley and at the top of her class for all 4 years. She graduated UC Berkeley Summa cum laude with highest distinction and is now pursuing her graduate studies at California Institute of Technology (Cal Tech). Proud of her Heritage, in her free time, Golsa enjoys writing poems mainly about Iran and Zoroastrianism.



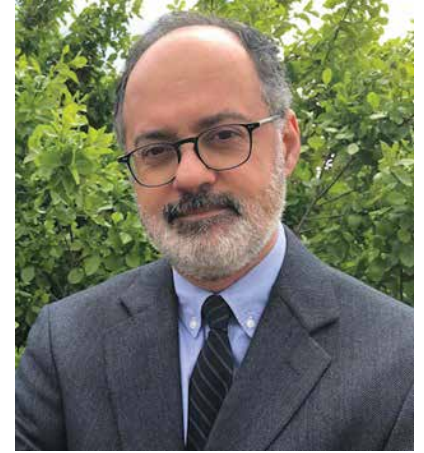
Nusheen is another brilliant Zoroastrian youth, graduate of Yale University & the University of California, Irvine and currently working at a Children's hospital in the east coast of the U.S. She has been recipients of various awards.



Dr. Khosro Esfandiar Mehrfar came to U.S. in 1979 to pursue his higher education. He has served the Zoroastrian communities in various capacities. Dr. Mehrfar lives in Orange County, California with his wife Roya and their Families.



An Interview with Dr. Afshin Marashi on his book *Exile and the Nation*



Afshin Marashi is Professor and Farzaneh Family Chair in Modern Iranian History at the University of Oklahoma, where from 2011 to 2020 he also served as the founding director of the Farzaneh Family Center for Iranian and Persian Gulf Studies. He is the author most recently of *Exile and the Nation: The Parsi Community of India and the Making of Modern Iran* (University of Texas Press, 2020). His previous books include *Nationalizing Iran: Culture, Power, and the State, 1870-1940* (University of Washington Press, 2008), and the volume (co-edited with Kamran Aghaie) *Rethinking Iranian Nationalism and Modernity* (University of Texas Press, 2014).

Fariba Pirghaibi (FP): [What was your primary interest in writing this book?](#)

Afshin Marashi (AM): I wrote this book for a number of reasons. *Exile and the Nation* is actually my second book. My first book was published in 2008, and is titled *Nationalizing Iran: Culture, Power, and the State, 1870-1930*. The goal of both books is to look deeper into the history and culture of Iranian nationalism. I've always been very curious to know how Iranians came to develop their shared understanding of national identity. Part of that curiosity comes from my experience as an Iranian American growing up in Los Angeles in the years following the 1979 revolution. I am sure a lot of Iranians of a younger generation have many similar questions about Iran's modern history and the history of Iranian national identity. My first two books are my attempt to give some historical answers to these questions. Along the way, I came to realize that the history of Iranian national identity is much more complicated than I had thought. In doing the research for the *Exile and the Nation*, for example, I learned about the important role that the Zoroastrian community of India played in helping to revive a feeling of national identity among Iranians inside Iran. I've tried to tell that story in this book. The book was originally published in 2020 by the University of Texas Press. The paperback edition will be available in the summer of 2025. I wrote the book primarily to pursue my own questions and curiosities, but I think the book will be of interest to all Iranians who have similar questions about the origins and history of Iranian national identity.

(FP): [What historical timeline is your book focused on?](#)

(AM): The book mostly focuses on the early part of the twentieth

century. The two decades between 1921 and 1941 are particularly important for this history and are central to the book. These were the years of the founding of the Pahlavi dynasty and were the years of Reza Shah's reign. The revived connections between the Zoroastrian community of India (known as the Parsis) and Zoroastrians inside Iran became very close during this period. These two decades represent the high-point of the exchange between the Parsis and the Iranians, although the roots do go back earlier, at least to the mid-1800s. Bombay-based Parsi civic organizations facilitated much of this exchange. In particular, an organization known as the Iran League (established in 1922), was central to this history. They were involved in multiple philanthropic efforts, including building schools, hospitals, and orphanages in Yazd, Kerman, and Tehran. These were areas with large Iranian-Zoroastrian populations. The Iran League also published an important bilingual English and Persian journal, the *Iran League Quarterly*, documenting their philanthropic work. In addition to helping Iranian Zoroastrians, the Bombay-based Parsis were also very eager to reach out to non-Zoroastrian Iranians as well (Muslims, Jews, Armenians, and Bahais) to encourage a broader understanding of pluralism and diversity in Iran's national identity and heritage. These were the ideas that were promoted by the Parsis inside Iran during the early twentieth century and is the history that my book primarily tries to document.

(FP): [What role did finding the publication on Iran League Quarterly play in your research?](#)

(AM): Much of the historical writing about modern Iran has ignored the role played by Iranians who lived outside of Iran. When

we think of the Iranian diaspora that exists in the world today, we think of a very large number of Iranians who live outside of Iran and who are yet still very connected and interested, and often concerned, about what is happening inside Iran today. The Iranian community in California is a very good example of this. In my research I learned that there were previous Iranian diasporas who also existed. The Iran League was a Bombay-based civic organization that was established by the active Indian Parsi community in the 1920s. The Parsis were, and are still today, a prosperous community of Zoroastrians who had left Iran many centuries ago. They can be considered Iran's first diaspora community. By the early 20th century, they created the Iran League organization to promote the goal of building a modern, prosperous, and pluralistic Iran. When I discovered that this organization existed, I was very intrigued because it made me think of the parallels that exist among Iranians who live in the diaspora today. I also discovered that the Iran League published a quarterly journal or magazine, called the Iran League Quarterly. It was a bilingual journal in English and Persian that published mostly in the 1920s and 1930s and was read not only in India but also in Iran. Very few libraries or archives have copies of this journal. It was difficult to find, but I was able to find a complete set of the journal at the New York Public Library. I spent quite a bit of time at the NYPL studying the contents of the journal. Reading this journal brought the history to life for me, and I knew that it would make the subject of a great book. I've made extensive use of this source in writing *Exile and the Nation*.

(FP): *From the list of characters whose lives you document in Exile and the Nation, do you feel any of them had the biggest contribution, not to modernize Iran, but to make a critical difference in saving the Iranian Zoroastrians of the time? And why? Specifically, among the following four individuals Kaykhosrow Shahrokh, Dinshah Irani, Peshotanji Marker, Ebrahim Purdavud*

(AM): All of the figures that I discuss in the book played very important roles in improving the living conditions of Iran's Zoroastrian community. Kaykhosrow Shahrokh might be the most well-known. He was the longtime Majles representative of Iran's Zoroastrians and a very important community leader for several decades in the early 20th century. Dinshah Irani was a Bombay-based Parsi lawyer. Even though he was born outside of Iran, in India, he still had a deep love for Iran and made very important contributions towards building connections between Parsis and Iranians. Peshotanji Marker was a very wealthy Parsi businessman who donated a great deal of his wealth towards building schools and hospitals in Yazd and Kerman to help Iran's Zoroastrian community.

If I had to choose one person, however, I might say that Ebrahim Purdavud played the most important role of all. He was the person who translated the Zoroastrian religious texts into the Persian language to make them available for all Iranians, regardless of their religious background, to read. His translations of the Gathas into Persian have become part of a common cultural heritage, alongside the Shahnameh, that all Iranians share. His contribution to Iranian national identity might stand alongside that of Ferdowsi in that sense. It's important to note that UCLA's Purdavud Center for

Iranian Studies was established to honor his achievements and to continue his legacy.

(FP): *In your opinion would the Iranian Zoroastrians have vanished without the efforts of the above named?*

(AM): Before the revival of contact between Parsis and Iranians, the social conditions of Iran's Zoroastrian community were very dismal. Most of the members of the community were extremely poor and their numbers had dwindled to perhaps only ten thousand people by the end of the 1800s. Many members of the community had left Iran during the course of the 1800s as well. In fact, as travel became easier, mostly because of the advent of steamships, there were large numbers of Iranian Zoroastrians from Yazd and Kerman who made the journey to India by sea. The social and economic opportunities were much better in India at that time. This pattern of migration became so large that within India a new term emerged for the recently arrived Iranian-Zoroastrians. They were called the "Iranis" a term that was used to distinguish them from the older community of Zoroastrians in India who had been there for many centuries. This older community were of course known as the "Parsis." This pattern of outward migration from Iran to India could have continued to the point where there would be very few, if any, Zoroastrians remaining in Iran. Part of the achievement of the Parsi-funded philanthropies was to provide resources for the social development and economic prosperity of the Zoroastrian community inside Iran. Thankfully, this philanthropy helped the community to survive. Iranian Zoroastrians and all Iranians have the Parsis to thank for this.

(FP): *In your current academic teaching curriculum do you cover any topics covered in this book?*

(AM): I teach modern Iranian history at the University of Oklahoma, in Norman Oklahoma. The research that I completed for this book is very much part of what I teach at OU. We have a large and thriving Iranian Studies program at the University of Oklahoma (OU) I completed my PhD in the History Department at UCLA and arrived at OU in 2011. I served as the founding director of the OU Iranian Studies program. Today the OU Iranian Studies Program is one of the few academic programs in the United States that has a program devoted specifically to Iranian history, culture, language, literature, and politics. The program stands alongside other programs such as the UCLA Purdavud Center, the Baskerville Center at UC-Irvine, and other programs at Princeton, the University of Toronto, and perhaps a small number of other universities. These programs rely on the generosity of donors for financial support. The OU Center was funded through the generosity of the Farzaneh family of Oklahoma, who are prominent real estate developers in the state. Like earlier generations of Iranian philanthropists, such as the Parsis of a century ago, present-day Iranians in the diaspora are increasingly aware of how important it is to support these sorts of academic programs. They make it possible for people like me to do the type of research that produced this book. They also make it possible for me and others to teach Iranian history to new generations of both Iranians and non-Iranians.

Dinshah Irani: A Pillar of Hope for Zoroastrians And The Religion's Legacy

Robert Jean Croix St. Thomas (Bahram Anushiravan)

A Historical Context of Peril



By the late 19th and early 20th centuries, the Zoroastrian community in Iran had fallen into a very precarious position. In the early 1920s, Iran, known as "Persia" at the time, saw the twilight years of the Qajar dynasty and the establishment of the new Pahlavi dynasty in 1925 by Reza Shah.

Under the Turkic Qajar dynasty, which ruled Iran from 1796 to 1925, the Zoroastrian community endured severe persecution and poverty with their religious identity constantly under threat from Shi'ite zealotry. Despite the humanitarian ambitions of Maneckji Limji Hataria, the conditions of the Zoroastrians in Iran had reached such a point that many feared for their survival as a distinct religious and cultural group and would soon be completely eradicated.

Amidst this turbulent time, the Irani and Parsi communities from Bombay rose to the occasion, offering support, guidance, and material assistance to their Iranian Zoroastrian counterparts. One such individual whose actions left an indelible mark on the history of the Zoroastrian community and Iran's national identity was Dinshah Jijibhoy Irani.

The Life of Dinshah Irani

Born on November 4, 1881 into a distinguished Irani family in Bombay, compared to the already established Zoroastrian Parsi communities of western India, Irani's family has shallow roots in India like all other Irani Zoroastrians present in India at the time. The 'Iranis' are the Iranian Zoroastrians who fled Persia between the late 18th to the early 20th centuries to escape the extreme forms of Shi'ite persecution of under Qajar rule. Irani's family starts with his grandfather, Bomes, whom had migrated from Yazd, Iran, about the middle of the 19th century. Irani's mother, Piroja Banoo, was descended on her maternal side to an Iranian named Kaikhosrov Yazdyar, who had migrated from Iran to India around 1794.

Dinshah Irani was a man of great intellect, ambition, and deep conviction. He was a brilliant legal mind who never

lost sight of his cultural and spiritual heritage. Born with an insatiable thirst for knowledge, he completed his B.A. in 1901 and embarked on a path that would make him a towering figure in both law and Zoroastrian scholarship.

Even as he pursued a career in law, his heart remained with the ancient wisdom of his Zoroastrian ancestors. Irani was well versed in the Avestan, Pahlavi and New Persian languages and immersed himself fully in Zoroastrian religious texts at the prestigious Sir Jamshedji Jijibhoy Madressa in Bombay. Yet it was the lectures of K.R. Cama, the eminent Parsi scholar, that left an lasting impression on him. Cama's insights into the Gathas, the seventeen sacred hymns of Asho Zarathustra, shaped Irani's perspective, influencing his work in Zoroastrian studies for the rest of his life.

Irani's legal career was nothing short of stellar. In 1904, his sharp intellect earned him the Judge Spencer Prize and the Maneckji Nowrosfi Banaji Scholarship for excellence in Equity, thrusting him into the public eye. Just a few years later, in 1908, he passed the solicitor's examination and joined the prestigious firm of Mulla & Mulla, Attorneys-at-Law. From there, Irani built a reputation as an authority in Taxation and Mercantile Law, successfully arguing cases that shaped the field. His rise was steady and well-earned, culminating in 1936 when he was made senior partner of the firm.

For Irani, success was not just about professional accolades, it was about service! He saw law not just as a career, but as a necessary tool for justice. He saw his scholarship not as a hobby, but as a responsibility to preserve and pass down the wisdom of his Zoroastrian faith. Whether he was in the courtroom or in the study, Irani was a man who believed in upholding truth, fairness, and the rich cultural legacy of his community.

Dinshah Irani's life was a rare blend of intellect and integrity, of legal brilliance and deep spirituality. His legacy endures, not only in the legal world but in the hearts of those who continue to study the sacred traditions of Zoroastrianism that he so deeply cherished.

Irani's Advocacy on the International Stage and the Future of Zoroastrianism in Iran

One of Irani's most significant contributions was as the founding president of the Iranian Zoroastrian Anjoman of Bombay (established in 1918) and the co-founder and vice president of the Bombay-based Iran League (established in 1922). Through these organizations, Irani worked vigorously to mobilize support from Bombay's philanthropic Parsi elite by raising funds to improve the living conditions of Zoroastrians in Iran. His collaboration with the many renowned benefactors such as Ratan Bamji Tata, Bahram Bicaji to Peshotani Marker which led to the establishment of vital educational and medical facilities in Yazd, Tehran, Kerman, and surrounding villages, which were areas Zoroastrian communities had long struggled against economic hardship, social and religious marginalization.

When he made his first Journey to Iran in 1923, Irani's mission went well beyond material aid as he was equally devoted to reviving and promoting the pre-Islamic cultural heritage of Iran. His passion for Zoroastrianism and pre-Islamic Iranian history found expression in his literary contributions, particularly his three widely read Persian language monographs such as: *Peyk-e Mazdayasnan* (1927), *Akhlaq-e Iran-e Bastan* (1930), and *Falsafeh-ye Iran-e Bastan* (1933). His works were aimed at both Zoroastrians and the broader Iranian public which strived to reconnect Iranians with their pre-Islamic heritage of Greater-Iran and present a modern, enlightened understanding of Zoroastrian theology and philosophy.

Dinshah Irani and his Parsi colleagues in Bombay were instrumental in publishing, translating, and distributing books that reintroduced Zoroastrian history and values to an increasingly literate audience in Pahlavi Iran. Their efforts were not just about preserving the past, but they were also about shaping the future and fostering a renewed sense of identity that blended tradition with modernity.

Irani had visited Iran yet again in 1932 along with the poet-philosopher Rabindranath Tagore, and he was invited by Reza Shah Pahlavi. The Shah had had such admiration of Iran and his merits as a scholar of repute and a devoted friend of Persia, Reza Shah awarded him the 'Medal of Sciences of the First Order'.

Reza Shah with his deep passion for Iranian Nationalism was also sympathetic to Irani and Parsi Zoroastrians, even inviting delegations to Iran and even offering to facilitate

their settlements of "Parsi colonies" in Iran. According to Sir Jehangir C. Coyajee's "A Brief Life-Sketch of the Late Mr. Dinshah Jeejeebhoy Irani", Irani after being rewarded awarded with honors by the Shah, he entrusted Irani with a message to take back to the Zoroastrian communities in India:

"You Parsis are as much the children of this soil as any other Iranis, and so you are as much entitled to have your proper share in its development as any other nationals. We estimate Our Empire's resources to be even greater than those of America, and in tapping them you can take your proper part. We do not want you to come all bag and baggage; just wait a little and watch. If you find the proposition beneficial both to yourselves and to this land, then do come and We shall greet you with open arms, as We might Our dear brothers and sisters. Iran is a vast country pregnant with many advantages and fresh fields waiting for development. We suggest that the Parsis, who are still the sons of Iran, though separated from her, should look upon this country of to-day as their own, and differentiate it from its immediate past, and strive to derive benefit from her developments."

Zoroastrianism, Iranian Identity, and Monotheism

Through the *Peyk-e Mazdayasnan*, Irani highly encouraged his fellow Zoroastrians to read the newly available Persian translation of the Gathas, emphasizing the importance of understanding their true religious heritage:

"Every Zoroastrian must read this important book in detail. We are hopeful that all of our compatriots, after studying this book, will understand that what has been associated with Zoroastrianism has no basis. All the indecent suggestions have flowed from evil and prejudice."

Despite Zoroastrians being designated "People of the Book" under Islamic law, Irani acknowledged the deep-seated social biases and the appalling mistreatment they faced in Iran for centuries. He believed that a new understanding of Zoroastrianism's role within Iranian nationalism would help overcome these prejudices. By encouraging the reading of Zoroastrian scriptures, he argued, Iranians whether Zoroastrian and non-Zoroastrian alike, could finally recognize who-they-really-are with their shared cultural and historical heritage:

"One of our religious beliefs is that we love the land of Iran, and that we are loyal to the national language and literature. Is this feeling not enough to make all of us understood as partners and participants in the land of Iran?"

Irani saw a unique opportunity in Reza Shah Pahlavi's nation-building efforts. He believed that the Pahlavi state's revival of Iranian nationalism and the Parsi community's promotion of a modernist understanding of Zoroastrianism were aligned, reinforcing what historian Ali Ansari has termed the "Iranian

Enlightenment.”

For Irani and like-minded intellectuals, the ultimate goal was the establishment of a secular-liberal political culture that would guarantee the equality of all Iranian citizens, regardless of religion. While it may have seemed in theory that there would be a contradiction between this liberal vision and the authoritarian nature of the Pahlavi state, Irani remained optimistic that Iran was moving toward a more inclusive and pluralistic society one which Zoroastrians could finally yet again reclaim their rightful place as an integral part of the nation’s identity.

Irani went to great efforts to reshape how Zoroastrianism was understood within the broader Iranian religious and cultural landscape. He emphasized that Zoroastrianism was not only an ancient Iranian tradition, but that it was the FIRST monotheistic faith among the Aryan peoples:

“Zoroaster was the first man among the Aryan peoples to promote monotheism. This recognition, which is acknowledged by scholars of our homeland, is worthy of being a source of public pride for all Iranians.”

By invoking Aryan heritage of Iranians, Irani aimed to bridge the gap between Zoroastrians and the Shia Muslim majority of Iran by framing Zoroaster as a pioneer of monotheism in a way that could resonate with all Iranians. While history has shown that racial rhetoric in the interwar period was often used in divisive and exclusionary ways, Irani’s approach was different; he was using it as a unifying force, an argument that all Iranians, regardless of faith, shared a common racial and cultural ancestry. From this perspective, Irani concluded:

“We [Zoroastrians] are partners with our Muslim brothers in worshipping divine unity.”

Irani also goes on in the Peyk to urge Iranian Zoroastrians to join in the common cause with their fellow Iranians of other religious backgrounds as part of a pluralistic, inclusive, and civically defined understanding of Iranian identity. In the eighth chapter of the Peyk-e Mazdayasnan—titled “What We Are and What We Must Be”—he writes:

“The role of every Zoroastrian is to join the general population of Iranians in one feeling and one purpose, for progress in Iran and the promotion of happiness.”

Reza Shah’s Modernization and Reclaiming Iran’s Zoroastrian Identity

Irani also saw a unique opportunity in Reza Shah’s rise to power. While some may have viewed Reza Shah’s modernization efforts as a betrayal of the 1905 Constitutional Revolution, many liberal Parsis, including Irani, believed his reforms could help bring about some of the revolution’s original goals. He saw the Pahlavi regime’s push for nationalism and secularism

as aligning with the Parsis’ own mission to modernize and revive Zoroastrian identity.

For Irani, the ultimate goal overall was a secular and inclusive Iran, where all citizens, regardless of religion, had equal standing in the society. Yet one thing is certain: Dinshah Irani was unwavering in his commitment to ensuring that Zoroastrians had a future in Iran, not just as a marginalized minority but as an integral part of the nation’s identity.

Irani’s role in saving Iranian Zoroastrians, after centuries of Islamic persecution is a poignant reminder of the power of community and the importance of standing up for those in need. His actions not only preserved a significant religious and cultural heritage but also played a key role in reviving the rightful pre-Islamic heritage of Iran which had long been ignored and shunned by the Qajars who prioritized their Twelver Shia identity and Qizilbash traditions. By emphasizing Zoroastrianism’s ancient roots as the foundation of Iran’s cultural identity, Irani helped reclaim the proud history of the Persian Empire and Cyrus the Great, thus restoring the nation’s connection to its glorious pre-Islamic past. His efforts demonstrated the enduring strength of Zoroastrian values, and Irani truly embodied what it means to be a Ashavan.

As we reflect on the legacy of Dinshah Irani, we are reminded of the importance of unity and the profound impact that individuals dedicated to a cause can have on the course of history. Zoroastrians from all walks of life, including non-Zoroastrian Iranians owe much to his efforts, and his story remains an inspiration to all who seek to make a positive difference in the world.

Robert St. Thomas, also known as “Bahram Anushiravan,” was born and raised in Anaheim, California. An avid historian, Robert has a deep passion for the pre-Islamic history and culture of Greater Iran. A devoted Zoroastrian, he is actively involved in the community and its causes, working to preserve and promote the teachings of his faith. Robert began his higher education journey at Fullerton College, studying Business Administration, and is currently at Saddleback College, where he is preparing to transfer to the University of California, Irvine (UCI). He plans to pursue a PhD in Iranian History, furthering his commitment to understanding and sharing the rich history of Greater Iran and Zoroastrianism.



“Happiness belongs to the one who constantly has the happiness of others.” Zarathustra

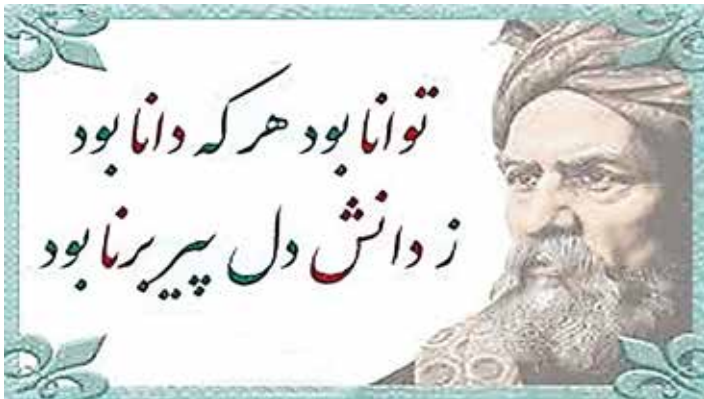
Peshotanji Markar Arezoo Garibshahi

Born on the 18th of Aban 1250 and passing away on the 18th of Mehr 1344, this noble man dedicated his life to serving Iran and elevating the culture of his Zoroastrian compatriots.

On the 18th of Aban 1250, God blessed Mrs. Din Abu Dokht Dishah Sharaf and Dosabai with a son, Pashtun Ji Markar. Many of his contemporaries have already departed this world, their actions judged and their rewards or consequences determined. Among them were numerous remarkable individuals, similar to Pashtun in their tireless efforts and lasting legacy.

Should the foundation of this great man's achievements be attributed to his mother's nurturing, the classrooms of Elphinstone School, the tutelage of Mr. F. Dinshah Silister, or simply a divine blessing bestowed upon a noble family? The Markar family has produced many distinguished members, but Pashtun shines as a radiant sun, whose warmth and light embraced Iran's Zoroastrians.

His early passion for the Persian language led Markar to study Golestan and memorize extensive portions of the Shahnameh. Fluent in English, he preferred to converse in Gujarati, demonstrating exceptional skill in this tongue. Driven by a fervent desire to promote education and learning among Iranians, he often quoted Ferdowsi:



"Mighty is he who has knowledge; from knowledge the old heart becomes young."

Disappointed by the limited impact of his words, Markar took decisive action, dedicating his entire life to cultural advancement. The extraordinary depth of his character and unwavering determination became evident when he chose to invest his wealth in establishing charitable organizations and supporting the Iranian Zoroastrian

Association in Mumbai, despite widespread disapproval of this decision.

Markar's resolute belief in himself, coupled with sound judgment, propelled him forward. His legacy stands as a testament to his visionary leadership and enduring commitment to his community.

Until the end of his life, Pashutan Ji Markar tirelessly dedicated himself to philanthropy, generously donating both time and money. He inspired relatives and friends to join his charitable endeavors. The fruits of his more than half a century of giving, despite limited resources, are as follows:

A. Capital Agreement for the Establishment of Cultural Institutions

1. Establishment of the Markar Orphanage in Yazd
2. Establishment of the Markar Boys' Primary School in Yazd
3. Establishment of the Markar Boys' High School in Yazd
4. Establishment of the Markar Girls' Primary School in Yazd
5. Establishment of the Markar Girls' High School in Yazd
6. Allocation of funds for the continued higher education of talented students from the Markar Orphanage at the University of Tehran
7. Allocation of resources for the publication of religious literature under the supervision of the Iranian Zoroastrian Association, resulting in the translation of the books of Gatha and Yashta by Professor Poordavood
8. Allocation of funds for the printing of cultural documents under the auspices of the Iranian Association
9. Investment in the printing and publication of valuable letters and speeches
10. Establishment of a Markar School for Boys and Girls in Vasu, a district of Surat, India
11. Establishment of the Markar Stadium in the Mojgan district of Mumbai, which consistently trains 200 Persian youths under renowned coaches. Their annual performances are captivating.
12. Construction of the Markar Hall in Mavandi School, Mumbai

B. Spending Money and Time to Help with Social and Civil Affairs

Markar consistently prioritized direct action over fundraising during times of crisis or community need. Instead of merely collecting donations, he took initiative to address pressing social issues. Examples



include:

1. In 1918 AD (1297 AH), when a plague ravaged the village of Vasu, he swiftly organized relief efforts, saving thousands of lives.
2. In 1916, Markar contributed funds to the Panchait Parsi Association for the repair of the Vasu water catchment dam, dedicating it to the memory of his mother.
3. He encouraged his family and friends to raise funds for the higher education of village children, resulting in the advancement of several young individuals.
4. Through his influence, the Holy Spirit Mother Association in Surat established an annual fund to distribute grains and pulses to the local poor.
5. He oversaw the repair and improvement of the road between Vasu and Taluka in 1918 AD.



Markar orphanage in Yazd

6. Markar contributed to constructing the Ferdowsi Tower in Yazd, a project initiated by the city's mayor.

C. Spending Time and Energy in Associations and Charities

Markar actively participated in numerous organizations dedicated to charitable causes. His commitment and integrity earned him the trust of his peers, leading to several leadership roles:

1. Vice President, President, and Trustee of the Iranian Zoroastrians Association of Bombay
2. Deputy President and Trustee of the Zoroastrian Association of Iran League

3. Head of the Zoroastrian Association of Vasu
4. Trustee of the Khatavadi Zoroastrian Association

Beyond his administrative duties, Markar personally oversaw his charitable initiatives, undertaking extensive travel to monitor their progress:

1. In 1303, two years after founding the Markar Orphanage in Yazd, he visited the city to assess its operations.
2. In 1313, he returned to Yazd for the opening of the orphanage, elementary school, and Markar Boys' High School.
3. In 1328, he celebrated the 25th anniversary of the orphanage, inspected the Markar Boys' Primary and High Schools, and oversaw the commencement of the girls' school building.

In recognition of his exceptional contributions, the Iranian government bestowed several honors upon Markar:



Corridors connecting the orphanage to high school and elementary school

1. In 1313, during his second visit to Yazd, he received the first-degree scientific award from the Ministry of Culture.
2. In 1328, during his third visit to Iran, he was honored with the first-class badge and granted an audience with the Emperor Aryamehr, who bestowed special favors upon him.
3. In 1326, he was awarded the first rank of Humayun.

Where to start? This is a dilemma every philanthropist faces when making decisions. After observing the educational needs of his countrymen and co-religionists in Iran, Markar chose Yazd, a Zoroastrian center, as the focus of his philanthropic efforts. He established the Markar Orphanage to provide education and care for children deprived of parental guidance.

In April 1301, the Markar Orphanage opened its doors to twenty orphans from the villages and city of Yazd, under the patronage of the Iranian Zoroastrian Association in Bombay and led by Dr. Jamshid J. Patel. Initially housed in the Shah Jahan building, the orphanage later moved to the Khane Shiraziha building nearby. The approximately twenty children attending the orphanage until 1300 received education at the Khosravi and Ki Khosravi schools, established by other Zoroastrian philanthropists.

Six years later, the Jahangiri technical school was added to the orphanage, offering workshops in tailoring, woodworking, carpet making, and other crafts. Children could choose to attend these workshops in their free time, complementing their academic education.

In February 1306, at the suggestion of orphanage head Mr. Soroush



A group of Zoroastrian students welcomed Markar and his companions upon their arrival for the orphanage and high school opening ceremony.

Lohrasab, the Markar Elementary School was established on the orphanage premises. For six years, the primary and nursery school operated together. Dissatisfied with the limited space, Markar purchased approximately 100,000 square meters of land near Pahlavi Square. Designed by Parsi engineer Mr. Borzoo Sohrab, construction of the new orphanage, elementary school, and high school began in Khordad 1312.

The impressive complex consisted of two buildings. The front building housed 18 classrooms, a ballroom for primary and high school students (capacity 800), and administrative offices. The rear building included three bedrooms, nine study rooms, and special quarters for the orphanage head to accommodate up to 60 children. The building also featured a dining hall, bathrooms, heating, and connecting corridors between the two main structures.

Under Markar's determined leadership, construction was completed expeditiously. In October 1313, he traveled to Yazd for the grand opening. The warm and enthusiastic welcome he received from the people of Yazd, coupled with the gratitude and encouragement expressed by the imperial government through the Ministry of Culture, was a testament to his impact. It was during this visit that he was honored with the first scientific degree.

During this visit, Markar was warmly welcomed by the people and received great honor from the imperial government and the governor of Yazd. When the governor offered the municipality of Yazd as a potential location for a philanthropic project, Markar promptly agreed to donate a clock. Inspired by the spirit of Iranian unity embodied by Ferdowsi, he proposed naming the clock after the great poet and installing it in the newly constructed Pahlavi Square.

The foundation stone for the Ferdowsi Tower was laid on November 4, 1313, coinciding with the birthday of Crown Prince Aryamehr, the future King. However, due to the site's unsuitability, the tower was eventually built in Markar Square, at the entrance of the independent Markar High School, where it continues to serve the community.

Markar Cultural Institutions in Yazd

A. Markar Orphanage: Initially housing around 20 children until 1306, the orphanage's population grew to 45 by 1313. The new building constructed that year accommodated non-orphan students willing to board full-time for a fee. Gifted orphanage students progressed to Markar High School, KaiKhosravi, and Iranshahr high schools in Yazd.

With dedicated funding, they pursued higher education at Tehran University, achieving notable positions.

B. Markar Boys' Primary School: Established in February 1306 with 70 students, the school thrived under the guidance of Mr. Soroush Lahraseb. Student enrollment steadily increased until reaching capacity, and the school continues to provide education.

C. Markar Boys' High School: Founded in September 1312 as the elementary school expanded, the high school began with three classes. Supported by Mr. Soroush Lohrasb, Markar's generosity, and the Iranian Zoroastrian Association in Mumbai, the school flourished, producing numerous graduates who contributed to the community. It gained recognition as a prestigious institution in Yazd.

D. Markar Girls' Primary School: Inspired by the success of the boys' orphanage, Markar sought to honor his father. In 1305, during Sir Hormoz Ji Wala's visit, plans were made to establish a girls' orphanage under Mr. Manouchehr Contractor's leadership. However, recognizing the limited opportunities for women at the time, Mr. Soroush Lohrasb proposed a girls' primary school instead. Opened in 1305 with 84 students, the school had six elementary classes by 1309.

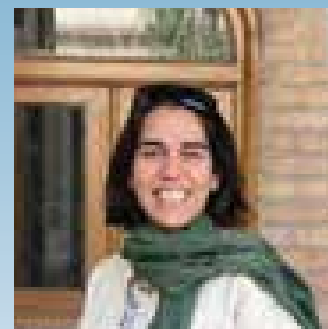
E. Markar Girls' High School: As the girls' primary school grew, the need for a high school became apparent. Established in 1312, the school produced its first graduating class in June 1315. It has since become a leading girls' high school.

The success of Markar's cultural institutions in Yazd is attributed to the dedication of their administrators and the support of educational leaders and government officials.

Conclusion

Despite facing severe economic and social pressures due to religious discrimination against Zoroastrians, Markar implemented effective strategies to improve the welfare of both the Zoroastrian community and the broader local society. His accomplishments demonstrate that anyone, regardless of limitations or challenges, can make a positive impact on the world. The key to success lies in a mindset of compassion, perseverance, and a desire to help others.

Arzoo Gharibshahi, raised in the Zoroastrian-rich city of Yazd, pursued her academic journey in mechanical engineering and MBA in Tehran. Her deep love for Yazd drew her back to her hometown to manage the family business. A passionate advocate for Persian history and art, Arzoo finds solace in playing classical music and exploring historical sites.



Inspired by the philanthropic legacy of figures like Markar and Giv, Arzoo is actively involved in various Zoroastrian non-profit organizations. She is engaged in organizing cultural events to preserve the rich heritage of the Zarathushtri community. Grateful for the opportunity to serve, she remains committed to her mission.

A Life of Philanthropy and Dedication to Iranian Zoroastrians

Hilda Kasravi



Peshotanji Marker, born in 1871 in India, was a remarkable figure whose contributions to education and philanthropy have left a lasting legacy. Educated at Bombay's Elphinstone College, Marker initially embarked on a career in business as a trade merchant, but it was his profound sense of social responsibility that truly defined his life's work. Passing away on October 10, 1965, his impact, particularly on the Zoroastrian community in Yazd, Iran has

left an incredible mark on the Zoroastrian heritage to this day.

A Lifeline for Iranian Zoroastrians

Moved by the difficult conditions and persecutions faced by Zoroastrians in Iran, Marker decided to expand his philanthropic endeavors beyond India and into Iran. He began earnestly in 1921 with the establishment of the Peshotan Dossabhai Marker Orphanage for Boys in Yazd. This institution was more than just a shelter; it was a place of hope and opportunity for many young Zoroastrians who had lost their families.

Understanding that education was the key to a better future, Marker soon extended his efforts. He founded a boys' high school, providing young Zoroastrian boys with the education and skills needed to build successful lives. Realizing the essential role women play in the community, he also established a girls' high school, ensuring that young Zoroastrian girls received the same educational opportunities.

Fostering Cultural and Religious Preservation

Marker's dedication to the Zoroastrian faith and culture was unwavering. He recognized the importance of religious education and took steps to ensure that Zoroastrian teachings were preserved and disseminated. In collaboration with scholars like Agha Pour-e-Dawood, he funded the publication of Zoroastrian religious texts in Persian, complete with necessary translations. This initiative not only educated the Zoroastrian community but also helped many Muslim Iranians learn about the rich heritage of their country's pre-Islamic history.

Symbolic Contributions

One of Marker's most notable contributions was the construction of the Ferdowsi Clock Tower in Yazd in 1942. This elegant structure was built to honor the legendary Persian poet Ferdowsi, renowned for his epic poem Shahnameh. The tower's location was meticulously chosen to be the exact center point of Iran, which coincidentally fell in Marker Square, leading to its alternate name, the Marker Clock Tower. Adorning the walls of this historic edifice are exquisite carvings of poetry, featuring verses from both Ferdowsi and a distinguished local poet named Nasser. The clock tower not only serves as a striking architectural landmark but also as a timeless emblem of the community's rich cultural heritage and Marker's significant contributions to the Zoroastrian Iranian society in Yazd.



Marker when they were preparing the space for the construction of the clock tower. [Photo courtesy of AmordadNews.](#)

A Lasting Legacy and Recognition

Peshotanji Marker ensured that he visited Iran multiple times to oversee the progress of his institutions. Each visit was marked by large gatherings and celebrations in his honor. During an interview with Shah-en-shah Arya-Meher Mohammad Reza Shah Pahlavi at the Royal Palace in 1949, he was asked, "What was your object in making charities in Iran?" Reflecting on his profound connection to the country, Mr. Marker responded, "Sire, Iran is my mother, and I am her son. If I do not love my mother, I would be ungrateful." His efforts were recognized and deeply appreciated far beyond the Iranian Zoroastrian community. In 1949, he was awarded the Neshan-e-Elmi and Neshan-e-Sepas by the Iranian government. Later that year, he also received the Nishan-e-Humayun in Bombay, all prestigious honors acknowledging his dedication and impact.

The gratitude of the Iranian Zoroastrian community for Peshotanji's contributions was profound. His initiatives in Yazd, particularly the schools, played a crucial role in improving educational opportunities and helping many secure employment in Tehran and beyond. The appreciation for his work was immortalized by naming a square after him—Markerabad—in Yazd, ensuring that his legacy would be remembered for generations.

Peshotanji's legacy continues to resonate profoundly within his family, shaping the values and actions of future generations. His grand-nephew, Ardeshir K. Marker, reflects on how his great-uncle and other elders have inspired him to lead a life rooted in moral integrity, serving both the Zoroastrian and Pakistani communities. Ardeshir shares:

“Briefly, all our elders, whether Uncle Peshotanji, or Uncle Ardeshir (my great-grandfather), as well as our grandparents and parents, have inspired me to follow their example by giving your time, effort, and resources to the community and the country.

So for example, in a small way, they have inspired me and given me the courage to currently serve on Three separate Parsi Anjumans in Pakistan as well as Two Federal Government Boards. This is a unique distinction for our Parsi Community in Pakistan that I owe to my Elders Blessing and example.

I serve the Parsi community on a daily basis through the Anjumans and otherwise and make sure that I give a little or a lot of charity every single day, to both Parsees and Non Parsees alike. Both Uncle Peshotanji and my Great-Grandfather Ardeshir and Grandfather Kekobad serve as a powerful example and I am firmly committed to following their footsteps: as we have been blessed with so much, it is essential that we pass it on to others. “ A Petal from the Rose” is not just a saying to me, it is an essential and basic belief that defines our Marker name and family, and it is my hope that future generations will continue to live up to the Name and the heavy responsibility it bears.”

Furthermore, Peshotanji's grand-niece, Aban Marker Kabraji shares the following of her grand uncle: “I have no recollection of meeting with Peshotan, but grew up with stories about him and the others of his generation. They were a particular breed of people who grew up with Victorian values in the British Raj and brought with them much of the good that came with it. A great sense of integrity and purpose guided them in their lives and a clear identity of being Zoroastrians and all it meant to the way they lived their lives. It is that legacy they passed along to their children and then their grandchildren which is my generation. Whether we met their standards or not, is really for our legacy to be judged.”

Conclusion

Peshotanji Marker's life and work serve as a testament to the power of philanthropy rooted in compassion and cultural religious pride. Peshotanji's nephew, Kekoad A. Marker, often spoke of his uncle's selflessness and dedication. In "A Petal from the Rose," Kekobad writes, “My dear Uncle Peshotanji who was not a wealthy man donated most of his earnings towards the amelioration of Iranian



P. D. Marker presented with Neshan-e Elmi medal in Yazd by Iranian government, 1934. Iran League Quarterly, Bombay, 1935.

Zoroastrians and funds for the advancement of our community.” His contributions to the Iranian Zoroastrian community not only provided immediate relief from their hardships but also fostered a sense of hope and pride. Through his schools, publications, and cultural projects, he ensured that the Zoroastrian heritage would be preserved and celebrated. Peshotanji Marker remains a beacon of hope and a model of selfless service, inspiring future generations to continue his legacy of kindness and dedication.

Sources

Marker, Kekobad Ardeshir. A Petal from the Rose. sn.], 1985.

"Peshotanji Dossabhai Marker." Zoroastrian.

www.zoroastrian.org.uk/vohuman/Article/Marker,Peshotanji%20Dossabhai.htm. Accessed 1, June 2024.

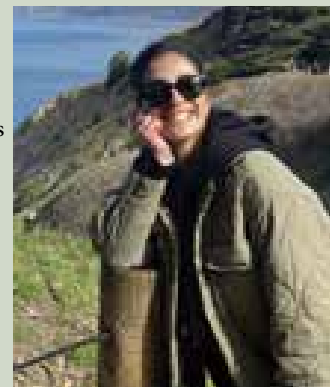
Peshotanji Marker Memorial Volume. Adabi Printing Press, 8 Shepher Road, Bombay-8. 1966.

"جمشیدی، فرشته. "همه چیز درباره پشوتن جی دوسابایی مارکار." Amordad News, 9 Oct. 2018,

<https://amordadnews.com/10595/>. Accessed 14, June 2024.

About the Author

Hilda Kasravi, through her marriage into the Marker-Noshirwani family, has gained unique access to the stories and legacy of Peshotanji Marker. While living in Karachi, Pakistan, she observed the rich history and contributions of the Parsi community. An admirer of Zoroastrianism, Hilda strives to embody its principles in her daily life.



Acknowledging the following resources:

<http://www.zoroastrian.org.uk/vohuman/SiteMap/ProminentZarathushtis.htm>

<https://www.amazon.com/Exile-Nation-Community-Making-Modern/dp/1477320792> by Afshin Marashi

Lady Cama: The Revolutionary Who Dared

Arta Khosravi



In the early 1900s, the Zoroastrian community stood at a historic crossroads. After the invasion of Iran by Arab armies centuries earlier, Iranian Zoroastrians had defyingly rejected tyrannic rule. Unwavering in their commitment to Asha and doing what is right, they sooner chose to abandon everything they knew in their motherland than to surrender to oppression and injustice.

The Iranian Zoroastrian people sought the safety and refuge of India in this diaspora, hoping for the warm register of democracy and welcomed dissent. Unfortunately, they soon came to realize that they had traded one tyranny for another: Oppression continued to rear its ugly head in the form of a colonial India under British rule.

Recognizing that independence was the only path forward, the Parsi Zoroastrian community fought defiantly for progress over the course of several decades. Lady Bhikaiji Rustom Cama soon became the “Mother of the Revolution” - the orator who stood her ground against the force of the British Empire. Today, she is regarded as one of the most prominent figures in the Indian independence movement, memorialized in history books as our very own Zoroastrian Joan of Arc.

Born in 1861 in Mumbai, Lady Cama was raised and educated in a large and affluent Parsi Zoroastrian family. Even as a child, Lady Cama was a diligent student, with a passion for knowledge and a particular interest in language. She believed in the teachings of Zarathushtra to push back against injustice, and utilized Zoroastrian principles to guide her freedom fighting.

1896 marked a pivotal moment in Mumbai history, and proved to be even more impactful in Lady Cama’s life. After suffering from famine, Mumbai was stricken with the bubonic plague.

However, Lady Cama did anything but flee the city: Unafraid and selfless, she instead joined a medical center and worked tirelessly as a nurse for those who contracted the plague in the epidemic. Knowing the risks of her efforts, she subsequently contracted the plague herself. It was her involvement with the plague victims that brought her attention to the root cause of India’s famine and economic depression: the British Empire.

From that point forward, Lady Cama immersed herself in political activism and boldly campaigned for India’s liberation from colonialism. In perhaps her most well-known and celebrated moment, Lady Cama unfurled India’s first-ever national flag on foreign soil, capturing the world’s attention on India’s struggle for independence. Before unfurling the flag at the 1907 Second International Socialist Congress in Stuttgart, Germany, she delivered a mobilizing speech that appealed to her audience with logic and sincerity. Her speech detailed the deteriorating condition of India’s economy, the atrocities of British imperialism, and described how the Indian populace was suffering from the mass devastation of famine. At the Congress, Lady Cama conveyed a strong message for justice, human rights, and independence of the Indian people from oppression.

Once again, knowing the risks of her efforts, British colonial rulers quickly deemed her speech an act of sedition. Lady Cama was sentenced to exile and deprived of her income, and was forced to live in England and France for 33 years. This exile did not silence her, unlike British rulers had hoped; in fact, it did quite the opposite. In London, she quickly established independence groups like the Free India Society and the Young India Society, after working for Parsi politician Dadabhai Naoroji and leading the London branch of the India Home Rule Society.



Facing London's conservative mindset and excessive scrutiny, Lady Cama then set her sights on Paris. She continued her political activism by co-founding the Paris India Society and working as principal editor and writer of *Bande Mataram*, an Indian nationalist newspaper written in English. Building global alliances, Lady Cama fostered associations with Iranian, Irish, Egyptian, Turkish, German, and Russian activists. It was for these many reasons that Lady Cama earned her reputation as a principal figure in galvanizing an independence movement of international scope. In an interview, author of *Exile and the Nation* Dr. Afshin Marashi stated, "She was a central figure, not only in the Parsi-Iranian exchange, but also in the broader history of a 'proto-Third Worldism' that took shape during the early decades of the 20th century. She hailed from a prominent Parsi family, was a leading anti-colonial activist in London and Paris, and was remarkably successful in building coalitions between different expat groups in Europe, including Indians, Iranians, Arabs, Russians, Germans, the Irish, and Turks, as well as Marxists and anarchists."

Furthermore, she inspired and supported Iranian intellectuals residing in Paris at that time to establish their own societies, including the Iranian Literary and Scientific Society of Paris, and was highly impressed with their work when attending their meetings. Founders of these societies regarded encounters with Lady Cama as inflection points in their activist efforts, crediting her as a propelling force of encouragement and intellect. One such encounter of note was with Iranian scholar Ebrahim Pourdavoud in 1910, who Lady Cama invited over for tea at her Parisian home. Twenty-four years later, Pourdavoud still recalled her patience and thoughtfulness in thoroughly introducing him to Zoroastrianism at that initial meeting, where she explained everything from the Gathas to the meaning behind the sedreh and koshti garments. Sure enough, Pourdavoud went on to become a regular tea-time visitor, and remained greatly inspired by her "pure, intelligent, and active life" as a Zoroastrian. Forever changed by his meetings with Lady Cama, Pourdavoud would go on to spend decades of his life and scholarly labor to translate the complete Avesta from

its original Avestan language into our modern-day Persian language.

Although highly productive, Lady Cama's time in exile understandably grew her longing for her motherland. At long last, she was able to return and spend her final year in Mumbai. Lady Cama passed away at 74 years old in 1936, leaving her assets to a Mumbai orphanage for girls and to her family's fire temple.

A courageous changemaker, it is undoubtedly clear that Lady Cama was a true Zoroastrian patriot. She was acutely cognizant of the potential risks and ramifications of her actions, and yet, she never let oppressors or their retaliations quiet her fight for justice. Not only did she place an international spotlight on knowledge and learning, she also had a monumental impact on saving the Iranian Zoroastrian community that was dying out at the time.

Lady Cama's legacy as an exemplary leader for our generation to remember lives on through us - through the Zoroastrian community. Knowing about and honoring our past is the first step towards creating a more just, righteous, and informed future. For me personally, I am proud to look up to role models like Lady Cama in our community and learn from our history through their lives.

Today, oppression and injustice reveals itself in different but all too similar ways. It is now up to us to be the revolutionaries who dare.



Arta Khosravi is an incoming student at Stanford Law School. She loves participating in community Gahambars, and in her free time, she enjoys reading narrative nonfiction.

2024 NAZC- A Personal Perspective

Caleb Goodfellow

Over the New Year's Holiday, hundreds of Zoroastrians met in Houston for the 18th North American Zoroastrian Congress. During a period of 3 days, a number of committees and speakers, both young and old, prominent and humble, discussed a broad range of topics all focused on one key idea: Propelling the Zoroastrian ('Zarathushti') Resurgence. The congress took place at the Royal Sonesta Gallery in Houston and was hosted by the Zoroastrian Association of Houston, often referred to as the ZAH, who spared no



Houston Atashkadeh

expense in making sure us attendees were well fed and better entertained. Overall, the congress went well, a veritable success. However, despite all the talk of resurgence, I was left with one certain takeaway, that our religious community, us followers of Zarathushtra's good daēnā, still have much work to do before any resurgence could happen, both in how we think of ourselves and how we face the wider world.

After a rather grueling drive from Tampa, Florida to Houston in a little electric car (which for the record I do not plan to ever do again), I arrived at the hotel on the 28th of December, the night before the event. Entering into the hotel, I was impressed at how nice the venue was; littering the hotel bar, the lobby, and all shared parts of the hotel were Zoroastrians of all shapes and size, young and old, mainly Parsis with a healthy dash of Iranians. Rendezvousing with the few familiar faces I could find, I was informed the youth were embarking for the last of their pre-congress events. After receiving a bag of goodies, a nametag, and a wristband? I couldn't remove for the whole event, it was for me to settle in before the congress began.

The following morning, with a coffee in hand, I squeezed into the jampacked main hall just in time to catch the tail end of the opening prayers; with the prayers concluded, the 18th North American Zoroastrian Congress 'Propelling Zarathushti Resurgence' officially began. After we were seated, the ZAH put on the wonderful 'visions of paradise' play about the impact Zoroastrian gardens had in history. It began with the gardens designed by Cyrus and Darius and demonstrated how their vision influenced the many traditions of gardens in the world, from the ancient Persians to modern America. Following this, we were informed that the event sold out in under 2 hours, and that one of the goals was to have 40% of the attendees under 40,

which was a success. After an interesting speech about the importance and usefulness of tradition, we adjourned for lunch. We then returned to a group of panelists discussing how the Gathas influenced their lives, of which Dr Keki Dadurchanji's insights were the standout.

After a breakout session of three smaller events in different halls, we all reconvened for the 'Great Zoroastrian Debate', modelled after the MiddleGround YouTube channel, where

the debaters stood on stage while the audience voted on their phones. To many people I talked to throughout the event, this was their most memorable moment, mainly because of the audience response to one question. When the moderator asked 'Allowing conversions will help the religion grow' the vast majority of audience members answered yes. To many, myself included, this was a very encouraging sign of much needed progress. After this debate, we had a Texas themed dinner and then adjourned.

The second day of the congress, December 30th, began with Professor Andrés-Toledo from the University of Toronto giving a very fascinating speech about the importance of the youth in Avestan and Pahlavi texts. In line with this emphasis on youths, he also made a number of memes about the texts he was covering, which, considering how much I have studied much of this material, made me laugh a bit harder than the rest of the audience. After a short break, we then convened in a separate hall for a presentation given by the North American Mobed Council, where they announced the creation of a new Athravan initiative for the training of priests in North America. This program, in short, seeks to create a new type of North American Zoroastrian priest, open to both men and women from any background, to be able to practice any and all duties of a Mobed in North America.

Following this large announcement, the rest of the second day was occupied with 3 more breakout sessions. Of particular note among these was a talk about managing stress from a Zoroastrian perspective by doctor and stress researcher Firdaus Dhabar. In the evening, there was another fantastic dinner followed by a Parsi Natak play, performed almost entirely in Gujrati, much to the chagrin of people who cannot understand the language, such as myself. Afterwards, there was some DJing and the youth went



to a 'silent disco' while I retired early for the night.

The third day, New Year's eve, started with an overview of the different departments and activities of FEZANA (Federation of Zoroastrian Associations of North America) and their youth division ZYNA, as well as information about the upcoming Zoroastrian congresses. This was then followed with an address given by Vada Dasturji Khurshed Dastoor who addressed the need for Zoroastrianism to reform and stand on its own merits in order to meet the demands of our time. Following a few more speeches, we eventually went into our two final breakout sessions of the event. In my opinion, the standout one here was 'make your voices heard' where a number of Zoroastrians gave a quick speech about whatever they needed to say. Finally, the congress officially ended, and we all celebrated the new year with a Gala.

Although this was the official end of the congress, the following day we all went to the fire temple in Houston for a ceremony. While the temple was very beautiful and well maintained, I have to say the grace and good will extended to me as a Western American convert throughout the whole of the congress was suddenly lost. I hardly felt welcome at this center, neither in the temple nor the prayer room, and I even had one ignorant local give me some spiel about how I couldn't be a Zoroastrian due to some nonsense about tribes and blood purity. As inconsequential as this is, it is still disappointing.

Overall, the congress was a success, and it seems a lot will come out of it. Still, as an outsider coming in, it is hard not to see the Zoroastrianism here as an ethnic set of traditions. Besides a few exceptions, no one speaking had the mindset of someone fully influenced by the Gathic worldview and philosophy. Moreover, there was little talk of how to realistically grow the religion... which can only happen through conversion or birthrate, the latter of which isn't likely. There was also no talk about any way to provide more spiritual and philosophical insight at Zoroastrian institutions and centers. Although it does seem that Zoroastrianism has begun to become more welcoming and open, as I was treated with a lot of respect and curiosity as a convert, it still feels there is a long way to go.

Zoroastrians need to rediscover the true breadth and beauty of the Gathic teachings and to understand rituals are solely meant to honor and respect to that. They need to let these teachings influence their understanding and worldviews. Moreover, Zoroastrianism needs to provide for the spiritual, mental, intellectual, and physical betterment and progression of the people attending its temples and centers. Its priests need to be spiritual guides and advisors, not just ritual performers. Without this, it does disservice to the great tradition it has inherited, letting the profound teachings of Zarathushtra and countless sages after him grow dust in academic books, while the religion continues in obscurity. Until these things are accomplished, until Zoroastrianism is able to offer itself to seekers once again, any talk of a resurgence will be a far-off dream, although the talk and hope for it is still encouraging.



Caleb Goodfellow is a student of the Gathas and a Zoroastrian convert. He is also the programs development manager for the Zarathushtrian Assembly and is seeking to study Avestan academically. In his free time, he enjoys hiking, playing games, and having deep conversations.

Let's be the CHANGE!

Artina Belivan

Let's be real. One of the biggest challenges facing the Zoroastrian faith today is the risk of losing our connection to our roots. As our community spreads out and modern life takes over, it can be easy to drift away from our traditions. But we have the power to change that and keep our faith thriving for future generations.

To keep the Zoroastrian faith alive, we need to create strong, supportive communities that help us stay connected to our heritage. Imagine growing up in a place where fire temples are not just symbols but centers of daily life - where prayers, celebrations, and gatherings bring people together. Living near Zoroastrian organizations and participating in their events makes our traditions feel natural and ever-present, rather than something to be revisited only on special occasions.

Parents play a crucial role in shaping the future by encouraging their children to engage with the faith - whether through attending religious classes, leading community initiatives, or even creating fun, educational content about Zoroastrianism. Instilling a sense of pride in our youth is essential. When young Zoroastrians feel a personal connection to their heritage, they are more likely to carry it forward and pass it on to future generations. Educational programs that focus on the teachings of Zoroaster, the significance of fire temples, and the meaning behind our prayers help create a deeper understanding of our faith. Imagine a world where every child grows up knowing the rich history of our traditions, feeling empowered to celebrate and share them.

Building meaningful relationships within the community is also key. Friendships with fellow Zoroastrians provide a sense of belonging and reinforce our shared values. Attending congresses and youth events strengthens these connections, helping us forge a more united and resilient community. These events create opportunities to discuss the challenges facing our faith, collaborate on initiatives, and develop lifelong bonds. And in today's digital world, online forums and social media groups keep us connected across continents, allowing us to share stories, support each other, and keep our traditions alive no matter where we are.

Additionally, learning our mother tongue and visiting historical sites like Yazd in Iran or Udvada in India deepens our understanding of our cultural and religious heritage. Language is a bridge to our past, a way to connect with the prayers and wisdom of our ancestors. Many of our scriptures are written in Avestan, and understanding them in their original form adds a layer of depth to our faith. Traveling to sacred sites allows us to experience history firsthand, walking the same paths as generations before us, feeling the weight of our shared legacy.

Celebrating traditions like Mehregan, Sadeh, and Nowruz keeps our identity alive and strengthens our bond with the past. These are not just rituals; they are living expressions of our faith. Mehregan, the festival of friendship and gratitude, reminds us to cherish our bonds and nurture kindness. Sadeh, a tribute to the discovery of fire, reflects our reverence for light as a symbol of wisdom and truth. Nowruz, the Persian New Year, is a time of renewal, a fresh start that invites us to reflect on our past and look ahead with hope. When we celebrate these traditions with our families and communities, we create lasting memories that reinforce the importance of our heritage.

While preserving our traditions is essential, adapting to modern

times is equally important. Many young Zoroastrians navigate a world that is vastly different from that of their ancestors. Finding ways to make our faith accessible and relevant to new generations is crucial. This can include incorporating technology into religious education, creating digital archives of prayers and scriptures, and finding innovative ways to engage youth in community activities. Imagine an app that makes learning about Zoroastrianism fun and interactive or online workshops that connect Zoroastrians from across the globe. These modern solutions can help bridge the gap between tradition and contemporary life, ensuring that our faith remains a vibrant and meaningful part of our identities.

Another key aspect of preserving our faith is service. Being an active part of the community by volunteering, organizing events, and mentoring younger generations fosters a sense of responsibility and unity. Service projects that emphasize Zoroastrian values, such as charity and environmental stewardship, allow us to live by our core principles while making a tangible impact. When young Zoroastrians see their peers engaging in meaningful acts of service, it inspires them to do the same, ensuring that the tradition of giving back continues.

Education and awareness are also vital. Hosting workshops, lectures, and cultural events helps spread knowledge about Zoroastrianism, not just within our community but to the world at large. Many people are unaware of the rich history and contributions of our faith. By sharing our story, we can ensure that Zoroastrianism is recognized and respected globally.

In the end, the responsibility to truly maintain our traditions lies with us. By taking intentional steps today, we ensure that Zoroastrian values and practices continue to thrive for generations to come. Nowruz, as a festival of renewal and hope, serves as the perfect reminder that our heritage is worth preserving - and that the future of our faith is in our hands. If we come together, nurture our traditions, and inspire future generations, we can ensure that the flame of Zoroastrianism continues to burn brightly for centuries to come.

You won't believe what Artina Belivan has done for the Zoroastrian community. As the founder and president of the ZANT Youth Group, she didn't just create a group - she built an entire movement. Artina got so many young Zoroastrians involved, and honestly, it's hard to imagine where the community would be without her. Plus, as FEZANA's Social Media Influencer, she's been spreading the message of Zoroastrianism far and wide with content that actually speaks to people today.



But that's not all - she's also an award-winning scientist, taking first place in district and regional science fairs in 2024, proving her passion and drive extend way beyond community work. On top of all that, she's an incredible speaker. Being the vice president of 3 organizations in her school this year (NHS, HOSA, and Orchestra) Artina has this natural ability to engage people, whether she's leading a discussion or giving a speech - her communication skills are off the charts.

With over 150 hours of volunteer work for ZANT, girl scouts, and FEZANA, her dedication is unmatched. If anyone's going to lead the next wave of Zoroastrian resurgence, it's Artina. She's got the skills, the passion, and the vision to make it happen.

Ask Nahid

Dear Nahid

If you had to say what the one principle that sets Zoroastrianism apart from other religions, what would it be?

Ardeshir

Dear Ardeshir,

Choice. The one principle of Zoroastrianism that sets us apart from others is the specific instruction of each individual to ACTIVELY make a choice in their daily lives to seek Asha. Not just the choice to follow the religion, but the constant and numerous daily choices to choose righteousness and truth over corruption or deceit.

Choices are presented to us every moment of our lives. Zoroastrianism gives us tools to make those choices. The principles of Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds isn't just a mantra but a roadmap to teach us how to make the best choices towards the path of good or evil. This is the one principle that sets us apart from other religions.

Our religion does not just give a simple directive to make a good or bad choice but it offers an active education that goes into how we can make a good choice. You must first use your collective education (from community and school) to have Good Thoughts. You take those Good Thoughts and you turn them into a plan of action with your Good Words. Then you take those Good Words from those Good thoughts and you transform them in a resulting action of Good Deeds. This is our blueprint – not a directive or a commandment or a rule of law.

Choice! Actual freedom of daily life choices. Not the limiting choice to follow a set of rules. Not the restrained choice of following a set of Pillars or Commandments or Decrees or antiquated moral and ethical beliefs. The Gathas hold independent choice over blind faith in almost every chapter but for me this resonates with our encouragement of independent choice.

"The best I promise truly to the man who helps me whole heartedly in fulfilling my mission. I would offer my best love and gifts to such a person through Vohuman. However, I shall oppose him, who places himself in opposition to me. O, Ahura Mazda, I shall fulfill Thy wish since this is the choice of my mind

and heart."

Even the book of prayers, our Khordeh Avesta, implore each of us to make our life choices each and every day of our own free will. The Paymané Deen (Pledge to follow Zoroastrianism) is a prayer that reminds us to choose this religion and our dedication to finding our own true highest wisdom daily. This is not just a prayer said for those pledging their dedication to the Zoroastrian principles during a Sedreh Pushi ceremony, but a daily reminder that it is our choice to follow Ahura Mazda in seeking our highest self-awareness in truth and righteousness.

Choice, in other religions might seem to stop at simply choosing to follow the faith. Once you choose a religion to follow, you then are bound by the moral and ethical directives of that religion. But in Zoroastrianism, that choice is constant and empowering. To choose daily, a path of Truth and Righteousness, Good over Evil, is the greatest and most distinctive aspect of the Zoroastrian Religion.

Gatha chapter 46; Verse 18. Translation by Mobed Firouz Azargoshasb

Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University.

She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia.



CZC-L.A. Religion Classes

The 2025 academic year for the 6th and 7th graders at the California Zoroastrian Center's religion classes began with lessons on Zoroastrian cultural celebrations, including Shabe Chelle (Yalda) and Sadeh. In the following three articles, Parmis, Kaveh, and Sepehr will share their thoughts, experiences, and the knowledge they gained about these two celebrations, which bring the joy of the coming spring and Nowruz.

Title of the article: Sadeh in My Eyes

Written by: Kaveh Abtin

Biography: Kaveh Abtin is 11 years old and in 6th grade. He loves swimming and is a food lover.



Sadeh is an important celebration that marks spring's arrival and life's renewal. It is celebrated 50 days before the Spring Equinox or Nowruz. Its roots are in ancient Zoroastrianism, and Sadeh brings families and communities together for joy and festivity during the celebration.

One of the key parts of Sadeh is preparing special dishes and sweets, which symbolize gratitude for the earth's gifts. Families cook traditional meals, often with rice, nuts, and fruits, and share with their neighbors and friends. This act of sharing strengthens ties and spreads joy throughout the community.

Cultural activities like music, dance, and poetry are also important during Sadeh. Communal gatherings feature decorations, laughter, storytelling, and performances celebrating Persian heritage. These activities entertain and help teach younger generations about their culture.

The coolest part of Sadeh is when people all gather around an enormous pit and four mobeds dressed in white carrying torches and start a fire. While the fire is burning people rejoice to the sound of the daf. The experience is great and a main part of Sadeh.

In summary, Sadeh celebrates life, community, and cultural identity. It reflects Persian values of social connections, inviting everyone to appreciate the joy of spring together.

Title of the article: Shabe Chelleh

Written by: Sepehr Farkhondeh

Biography: Sepehr Farkhondeh is a 13 year old 7th grader going to Arthur E Wright middle school and playing video games.

Shabe Chelleh, also known as Yalda, is a traditional Iranian holiday celebrated on the Winter Solstice and beginning of Winter. Shabe Chelleh is the longest and darkest night of the year after which days get longer. The word Yalda comes from the Syriac term meaning birth, showing the renewal of light Yalda can be traced back to about 7,000 years ago, but it became an official part of the Persian calendar in 500 BCE. One of the primary reasons for celebrating Yalda was for the victory of light over

darkness. Also, in ancient Persian Mithraism, it also shows the birth of Mithra, the god of light. Shabe Chelle is celebrated in Persian-speaking communities in the world, including in Afghanistan, the Republic of Azerbaijan, Iraqi Kurdistan, Tajikistan, Uzbekistan, Turkmenistan, and Turkey.

Title of the article: Transition from Winter to Spring

Written by: Parmis Jouyban

Biography: Parmis Jouyban is a 7th graders at Gaspar De Portola Middle School who loves math and music.



Recently, I read a story in my Farsi book about the transition between Shab e Chelle (also known as Yalda), Sadeh, and Nowruz. The story is about a family gathering together at their grandmother's house to celebrate Shab e Chelle. The grandchildren were curious and didn't know about what was being celebrated, so they asked their elders questions. The elders began by explaining how Shab e Chelle is the longest night of the year. In Farsi, Chel means forty. Shab e Chelle is forty days before Sadeh. The forty days in between these two celebrations is called "Chelle Bozorg", meaning the Big Chelle. After Sadeh comes "Chelle Koochak", meaning the Small Chelle, and it lasts for 20 days. In between "Chelle Bozorg" and "Chelle Koochak", there are eight days that are called "Char Char". "Char" in Farsi is the number four. The last four days of the Big Chelle and the first four days of the Small Chelle are known to have the coldest and worst weather conditions. After the Small Chelle comes "Sarmaye Pirzan", which also means "Nane Sarma". "Nane Sarma" is a mythical character in Persian folklore. During "Sarmaye Pirzan", the last days of winter are cold, rainy, and windy, but the conditions aren't too severe. After this period of time comes Nowruz, which is the beginning of spring and also the Persian New Year.

This story made me feel a combination of emotions, one being amazement. The transition between the beginning of winter and the beginning of spring used to seem very simple and short to me, but after reading this story, I have realised and understood how there are so many different parts in the transition, and each one has its special meaning. I believe Shab e Chelle, Sadeh, and Nowruz were important to people back then and are still very important to people today because they mark different milestones in the Persian calendar. The timeline starts from Shab e Chelle and ends with Nowruz, marking many different celebrations in between that families can join together and celebrate.

